

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و نود و هشت - نیمسال اول (دوفصلنامه)

- ۵ • اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی کیفری: همکاری و حمایت نهادین
دکتر سید قاسم زمانی - دکتر اسماعیل یعقوبی
- ۳۳ • قلمرو میانجیگری کیفری در انواع جرایم در حقوق موضوعه ایران
دکتر حسین غلامی دون - دکتر بدر سودانی سادری
- ۶۱ • تخفیف مجازات در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲
احمدرضا کوچکی - دکتر شهرام ابراهیمی
- ۸۱ • بررسی جرم‌شناختی عوامل بین‌المللی مؤثر بر ارتکاب جنایات علیه بشریت
دکتر سمیرا گل‌خندان
- ۱۰۹ • پیامدهای سیاست کیفری عوام‌گرا در جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان
دکتر پریمه طاهری شاد - دکتر هوشنگ شامبیاتی
- ۱۴۲ • درآمدی بر «حقوق بیمه جنایی» در راستای «سیاست جنایی بیمه‌مدار»
دکتر مهرداد رایجیان اصلی - نعیم سهامی
- ۱۸۱ • تقابل یا تعامل قوانین کیفری دولت خارجی با حقوق بزه‌دیده؛ در پرتو اصل شناسایی متقابل در حقوق کیفری اتحادیه اروپا
دکتر جواد صالحی
- ۲۰۱ • اصل شناسایی متقابل آراء و تصمیمات قضایی در حقوق کیفری اتحادیه اروپا با نگاهی به اجرای آرای کیفری و قرار جلب اروپایی
دکتر بهزاد رضوی فرد - محمد فرجی





http://jcl.ac.ir/article_92230.html

درآمدی بر «حقوق بیمه جنایی» در راستای «سیاست جنایی بیمه‌مدار»

دکتر مهرداد رایجیان اصلی* - نعیم سهامی**

چکیده:

امروزه دگردیسی در پاسخدهی به جرم (استفاده از ظرفیت‌های غیرکیفری همانند حقوق مدنی، اداری و انضباطی) به راهبری پاسخ‌شناسی جرم به جای مفهوم سنتی کیفرشناسی، به راهبردی اثرگذار درجهت مبارزه با جرم و بزهکاری تبدیل شده است. در این میان راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار به عنوان تأسیسی بومی‌گرا و نوظهور در پرتو حق بر مجازات نشدن، نمونه‌ای برساخته در بستر عدالت متوازن جنایی است که ضمن پاسخدهی غیرکیفری در برابر جرم، اسباب توجه به حقوق بزه‌دیدگان را با تمسک به سازوکارهای بیمه‌ای (حقوق بیمه جنایی) فراهم آورده است. عدالت توافقی بیمه‌مدار گونه‌ای از عدالت توافقی است که ناظر به مرحله پیشادادرسی و پسادادرسی می‌باشد. این مدل عدالت درموردی که حسن سلوک مرتکب نیاز به تضمینی فراتر از تعهد اخلاقی وی دارد با استفاده از تدبیر انتقال ریسک، به توافقات مابین مقام قضایی و بزهکار در قالب رژیم حقوقی بیمه‌ای، تضمینی کارآمد می‌بخشد؛ به گونه‌ای که ضمن کنترل و مدیریت ریسک ارتکاب بزه احتمالی از ناحیه مرتکب، نتیجه عدم‌حُسن سلوک وی را (ارتکاب مجدد جرم) صرف جبران و ترمیم خسارت وارد به بزه‌دیدگان احتمالی می‌نماید. این مقاله به تبیین اثرگذاری این تأسیس در گستره پاسخدهی به جرم با استفاده از ظرفیت‌های مشترک علوم جنایی و حقوق بیمه تحت قالب رشته‌ای نوین به نام «حقوق بیمه جنایی» می‌پردازد.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۳، نیمسال اول ۱۳۹۸
صفحه ۱۴۷-۱۸۰، تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۳/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

* دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، عضو مدعو گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Email: mehrdad.rayejian@gmail.com

** دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران
Email: n.sahami63@gmail.com نویسنده مسئول

کلیدواژه‌ها:

عدالت توافقی بیمه‌مدار، سیاست جنایی بیمه‌مدار، حقوق بیمه جنایی، بیمه احتیاطی، عدالت متوازن.

مقدمه

عدالت توافقی بیمه‌مدار^۱ نتیجه هم‌گرایی حقوق بیمه جنایی و سیاست جنایی بیمه‌مدار است که به لحاظ گونه‌شناسی عدالت جنایی تابعی از عدالت توافقی با رویکردی پیش‌گیرنده محسوب می‌گردد. عدالت توافقی بیمه‌مدار راهبرد نویافته‌ای در عرصه سیاست جنایی تلقی می‌گردد که در پرتو آن می‌توان ضرورت اهتمام به اصلاح و بازپروری بزهکاران را در مسیر جبران و ترمیم بزه‌دیدگان ترجمان نمود. حصول به این کارکرد در راستای «نگرش شهروندمدار» که بزهکاران را عضو جدایی‌ناپذیری از جامعه می‌داند و تعهد در به‌کارگیری تدابیر انسان‌مدارانه جهت بازگشت‌پذیری مرتکبان به جامعه را در کنار جبران و ترمیم خسارت بزه‌دیدگان، ضروری می‌پندارد، تحقق می‌یابد. راهبرد اخیر به‌نظر می‌تواند، با توسل به دانش مدیریت ریسک و جبران خسارت ناشی از ضمان مدنی در صنعت بیمه، موجبات حصول به یک سیاست جنایی یکپارچه و عدالتی متوازن را از طریق وصول به حقوق پیشگیری، حقوق اصلاح و درمان و از سویی حقوق بزه‌دیده‌شناختی، فراهم آورد. عدالت توافقی بیمه‌مدار را می‌توان در چهارچوب جرم‌شناسی هنجارمند^۲ نیز قرار داد؛ چراکه زمینه نوظهور کنونی می‌تواند آموزه‌ها و یافته‌های جرم‌شناسی را پس از گذار از سنجه انصاف و عدالت و با تأکید بر ماهیت انسانی و حقوق بشری و با تمسک به اصل تعاون وارد سیاست جنایی نماید.^۳ این درحالی است که سیاسی شدن توجه به بزه‌دیده در قالب شکل‌گیری گفتمان «حفاظت از جامعه» در کنار تغییر مفهوم امنیت و فرهنگ ترس ناشی از جرم^۴، اسباب استحاله نگرش

۱. امروزه علاوه بر تدابیر پیش‌گیرنده جنایی، انواع دیگر تدابیر پیش‌گیرنده در بستر نظام حقوق اداری و مدنی موردشناسایی قانونگذاران مختلف قرار گرفته‌اند؛ به طوری که حقوق اداری و مدنی می‌توانند از سازوکارهای مؤثر و گوناگونی برای مهار خطر (ارتکاب جرم) بهره ببرند. (محمد اسماعیلی، «عدالت پیش‌گیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران* ۴(۲) (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، ۳۱۸).

2. Normative Criminology.

۳. بیمه نماد مشارکت هیئت اجتماع در مقابله با مخاطراتی است که جامعه را تهدید می‌نماید. (ایرج بابایی، *حقوق بیمه* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴)، چاپ سیزدهم، ۸ تا ۱۲).

4. Culture of Fear of Crime.

سیاست جنایی به مسئله مبارزه با جرم و بزهکاری را فراهم آورده است.^۵ در پرتو این نگرش، رسالت سامانه عدالت جنایی، در خنثی نمودن حالت خطرناک بزهکاران خلاصه می‌گردد و جهت نیل به این مقصود، سخن از حذف، طرد و اخراج بزهکار از جامعه و کنارگذاری اصل بازگرداندن و ادغام دوباره مجرم به جامعه، امری غیرملموس تلقی نمی‌گردد؛ چراکه نتیجه سوق به چنین رویکردی، حقوق کیفری دشمن‌مدار خواهد بود.^۶ حال در چنین فضایی به‌کارگیری راهبردی که اسباب توازن میان نحوه تضمین حق تأمین و حق امنیت را از طریق رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و امنیت جامعه برقرار نماید، بسیاری ضروری خواهد بود. این درحالی است که راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار جهت نیل به اهداف خویش از مبانی نظری سرچشمه گرفته است که خواهان «مدارای کیفری»^۷ در برخورد با بزهکاری به‌عنوان پدیده‌ای انسانی - اجتماعی است و به این جهت، در نحوه همراه ساختن مرتکب با اهداف سیاست جنایی این خصیصه را لحاظ می‌نماید.^۸

قواعد عمومی حاکم بر رژیم حقوقی بیمه‌ای مدّ نظر تحت راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار، با ابتناء به قواعد عمومی ناظر بر بیمه‌های زیان پولی تدوین یافته است. به‌طوری‌که ارکان بیمه‌نامه مدّ نظر در قالب بیمه‌گذار قوه قضائیه، بیمه‌شده: مرتکبی که خواهان فرصت‌های بازپذیرکننده سیاست جنایی می‌باشد، ذی‌نفع: بزه‌دیدگان احتمالی، بیمه‌گر: شرکت‌های بیمه‌گر که نمادی توانمند از سیاست جنایی مشارکتی می‌باشند، از ارکان قراردادی رژیم حقوقی مدّ نظر می‌باشند، محدوده اثرگذاری راهبرد اخیر در حقوق کیفری موضوعه ایران به جرایم

۵. کمبود منابع و رکود اقتصادی به همراه مصلحت‌سنجی‌های مقطعی در حمایت از جامعه سرمایه‌داری سبب گردید تا در اواخر سده بیستم سیاست‌گذاران جهت کسب منافع سیاسی و پیروزی در مبارزات انتخاباتی با تأکید هرچه بیشتر بر حقوق بزه‌دیدگان و به‌طور کلی شهروندان غیرمجرم با خطاب قرار دادن «درنده‌خو» برای برخی از مرتکبان خطرناک بر لزوم حمایت هرچه بیشتر جامعه درمقابل آنان با تمسک به سیاست‌های سخت‌گیرانه و فاقد جنبه انسان‌مدارانه تأکیدی هدفمند را ساماندهی نمایند. (سودابه رضوانی، مفهوم خطرناکی در سیطره علوم جنایی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶)، ۵۴).

۶. نک: دلماس - مارتی، میری، «پارادیم جنگ علیه جرم مشروع ساختن امری انسانی» در تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: میزان، بهار ۱۳۸۸)، چاپ نخست، ۱۰۳۰-۱۰۰۹.

7. Penal Tolerance.

۸. لازم به توضیح است این‌گونه پاسخ‌دهی به جرم تاکنون مسبوق به سابقه نبوده است، اما تدابیر اقتصادی پیش‌گیرنده مشابهی نظیر ضمانت احتیاطی موضوع ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ و نیز ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحت نظام نیمه‌آزادی، اخذ تضمین مدنی را به‌عنوان تدبیری بازدارنده در عرصه سیاست جنایی توصیه نموده است.

تعزیری و دیات معطوف می‌گردد. این رژیم حقوقی در قالب «بیمه احتیاطی» شباهت بسیاری به بیمه‌های پست سازمانی که زیرمجموعه «بیمه صداقت و امانت کارکنان»^۹ می‌باشد، دارد. بیمه‌های پست سازمانی بیمه‌نامه‌هایی هستند که اغلب برای سازمان‌های دولتی صادر می‌شوند و تأمین بیمه‌ای آن منحصر به فرد خاصی نیست، بلکه مربوط به پست سازمانی می‌باشد. در این فرایند، بیمه‌گذار سازمان دولتی تلقی خواهد شد که سرمایه‌ای کلی و یا به تفکیک هر پست سازمانی را در برابر اختلاس و سوءاستفاده‌های مالی کارکنان خویش به‌عنوان بیمه‌شده، تضمین می‌نماید. برای صدور این بیمه‌نامه بیمه‌گر نیازمند اطلاعاتی می‌باشد که با توسل به آن ریسک موضوعه را مورد ارزیابی و بازبینی قرار دهد. این اطلاعات که ناظر بر میزان مسئولیت‌های مالی، حقوق و دستمزد، وضعیت خانوادگی، اجتماعی، محل سکونت، وجود یا عدم سابقه کیفری و سایر اطلاعات در خصوص شخصیت کارمند می‌باشد شباهت بسیاری با مختصات مفهوم پرونده شخصیت در علوم جنایی دارد. در نهایت میزان و کیفیت کنترل کارفرما بر روی عملکرد کارمند از دیگر پارامترهای سنجش ریسک در این میان خواهد بود.^{۱۰}

حال در این میان مفهوم وضع‌شده بیمه احتیاطی در این مقاله، تأسیسی نوین و برساخته از ظرفیت صنعت بیمه در کنترل ریسک‌هایی تلقی می‌گردد که به‌نوعی یادآور ویژگی «بیمه‌های جرم»^{۱۱} در صنعت بیمه در خصوص پوشش زیان ناشی از رفتارهای عمدی و همچنین ناظر بر مفهوم نهاد «ضمانت احتیاطی»^{۱۲} در علوم جنایی در قالب اقدامی تأمینی و

9. Fidelity Insurance.

۱۰. جهت مطالعه بیشتر در خصوص بیمه پست سازمانی نک: آیت کریمی، کلیات بیمه (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶)، چاپ هفدهم، ۳۹۸-۳۹۷.

11. Crime Insurance.

۱۲. با مطالعه تطبیقی در خصوص نهاد ضمانت احتیاطی در سایر نظام‌های حقوقی موجود می‌توان دریافت که نهاد مزبور برخلاف برداشت سطحی‌گرایانه نظام حقوقی ایران از آن (ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی)، در سایر نظام‌های حقوقی دیگر در قالب جایگزین حبس و ضمانتی درجهت اعطای فرصت‌های ارفاقی به جهت عدم اطمینان به حسن سلوک مرتکب در طی دوران آزمایشی به‌کار گرفته شده است. این درحالی است که کارکرد ضمانت احتیاطی در سیاست جنایی ایران تنها در قالب اقدامی پیش‌گیرنده و بازدارنده قابل‌رهیافت است که البته آن برداشت مختصر نیز هیچ‌گاه در وادی عمل تجلی نیافته است. از جمله کارکردهای مؤثر نهاد ضمانت احتیاطی می‌توان به بند ۱ از ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مالزی اشاره کرد که عنوان داشته جایگزین کردن مجازات به‌وسیله ضمانت احتیاطی در موارد برهم زدن صلح عمومی و یا به‌خطر انداختن آن و نیز راجع به ورود به عنف به منزل دیگری و یا شرکت در اجتماعات ممنوعه امکان‌پذیر می‌باشد. از جمله می‌توان به ماده ۳۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری آفریقای جنوبی اشاره کرد که به‌موجب دستور محکمه عالی صدور

بازدارنده جهت پیشگیری از وقوع بزه خواهد بود که اکنون در قامت نهادی نوظهور جهت پاسخ‌دهی در برابر جرم می‌تواند خودنمایی نماید. بی‌تردید این خوانش از کیفر در قالب پاسخ‌دهی به جرم که در جبران خسارت بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان احتمالی انعکاس یافته است، مرهون آموزه‌های عدالت ترمیمی در هزاره سوم از عمر عدالت کیفری می‌باشد که با تمسک به آن می‌توان بیان نمود، چنانچه ضمان مدنی در قالب اقدامی تأمینی (ضمانت احتیاطی) در حقوق جنایی به ایفای نقشی بازدارنده پرداخته است به‌نظر ضرورت دارد که تضمین حاصله از این نهاد در صورت بدعهدی و عدم‌حُسن سلوک مرتکب در ارتکاب مجدد بزه، مصروف جبران زیان بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان احتمالی متصوره گردد که این مهم توسط نهاد بیمه احتیاطی در پرتو هم‌افزایی میان صنعت بیمه و علوم جنایی قابل‌رهیافت می‌باشد. علاوه بر آن رهیافت اخیر در قالب شیوه‌ای از پاسخ‌دهی به جرم که ناظر بر جایگزین‌های جامعی در واکنش به بزه تلقی می‌گردد نیز قابل‌بیان می‌باشد.

این درحالی است که برای اثرگذاری کارکرد راهبرد اخیر در امر توسعه جایگزین‌های جامعی جهت پاسخ‌دهی به جرم، می‌بایست تمایل و رغبت شرکت‌های بیمه‌گر را در این خصوص نیز در نظر داشت. این مهم مضاف بر آنکه می‌تواند تکلیفی برعهده شرکت‌های بیمه‌گر تلقی گردد،^{۱۳} (همانند بیمه اجباری شخص ثالث)، نیازمند آشنایی صنعت بیمه با مقتضیات ارائه پوشش اخیر خواهد بود. همچنان که وضعیت اخیر مسلماً در ابتدای حیات هر رشته‌ای از بیمه‌های بازرگانی برای بیمه‌گران موجود بوده است؛ اما از آنجاکه ماهیت

دستور ضمانت احتیاطی به‌جای مجازات اصلی درمورد جرایم به غیر از مجازات قتل عمدی یا تعدد بزه انتسابی به مرتکب امکان‌پذیر خواهد بود و همین‌طور ماده ۶۶ قانون جزایی ایسلند که مجوز جایگزینی ضمانت احتیاطی به‌جای مجازات جرم انواع تهدیدها را صادر نموده است. بدین‌سان ظرفیت اخیر، در نظام‌های عدالت کیفری به‌طور وسیعی قابل‌رهیافت است. از سویی دیگر این نهاد به‌عنوان مکمل نهادهای ارفاقی همچون تعلیق مجازات در نظام‌های کیفری نیز قابل‌دریافت است از آن جمله می‌توان، به ماده ۴۱ قانون جزای سوئیس درمورد تعلیق اشاره کرد که ضمن آن بیان داشته است مقام قضایی می‌تواند مرتکبی را که خواهان استفاده از فرصت‌های مذکور است، جهت اطمینان از پایبندی وی به تعهدات و حسن سلوک، الزام به سرپرستی وی نزد شخصی نماید که حسن سلوک وی را تضمین یا ضمانت کند. در همان ماده اشاره شده، این تأمین می‌تواند به‌جای سرپرستی، به ضمانت احتیاطی معطوف گردد به‌طوری‌که مرتکب ملزم به تعهد مالی در عدم‌ارتکاب جرم و حسن سلوک گردد. (محمد امینی، ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ (تهران: چاپ تابان، ۱۳۴۶)، ۱۶۲).

۱۳. لازم به توضیح است در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ خورشیدی، توسعه فرهنگ بیمه‌پذیری و مساعدت در اعتلای سطح رفاه و امنیت اجتماعی جزء اهداف راهبردهای صنعت بیمه محسوب شده است.

عملیات بیمه‌ای برای بیمه‌گر، گریز از خطر است، فعالیت بیمه‌ای که فارغ از ابزار کنترل و مدیریت ریسک در خصوص رفتارهای عمدی باشد، این شائبه را ایجاد می‌نماید که بیمه‌گران در برخورد با این‌گونه رفتارها، همواره در معرض خطری تام یا دست‌کم، قریب‌الوقوع‌اند. درحالی‌که به‌نظر می‌آید، ارائه پوشش بیمه‌ای در این زمینه به‌مراتب کم‌خطرتر از سایر رشته‌های بیمه‌ای باشد که امروزه از بیمه‌نامه‌های رایج صنعت بیمه محسوب می‌گردد.^{۱۴}

از سویی دیگر، ایجاد تعاملی هدفمند میان منابع جبران خسارت بزه‌دیدگان و شرکت‌های بیمه‌گر ضروری به‌نظر می‌رسد. در واقع یکی از نقش‌های اساسی بیمه از پی آموزه‌های عدالت ترمیمی، مساعدت در چهارچوب شکل‌گیری صندوق‌های حمایتی از بزه‌دیدگان می‌باشد، منابع مالی بیمه‌ای با راهبری و سازمان‌دهی قانونگذاران و متولیان سیاست جنایی و صنعت بیمه می‌تواند برای تشکیل صندوق‌هایی که کاربرد حمایتی آن در مسیر جبران خسارت‌های وارد بر بزه‌دیدگان است، سازمان‌دهی گردد. در کشور ما صندوق تأمین خسارت‌های بدنی بیمه مرکزی که منابع مالی آن از کسر بخشی از حق بیمه‌های اتومبیل تأمین می‌گردد و در موارد تصادفات رانندگی، برای خسارت‌زدایی از حادثه‌دیدگانی که با اعسار مجرم و یا عدم‌دسترسی به او مواجه گردیده‌اند،^{۱۵} یکی از موارد شاخص تأثیرگذاری منابع بیمه‌ای در قالب صندوق‌های حمایتی تلقی می‌گردد.^{۱۶} در همین خصوص شایان ذکر است که در کشور فرانسه با کسر مبلغی حدود پنج یورو از حق بیمه بیمه‌های اموال و تمرکز آن در صندوق تضمین و متعاقباً استفاده از این منابع با حکم کمیسیون خسارت‌زدایی از قربانیان جرایم مشخصاً آلمان مشارکت جامعه مدنی و بیمه‌گذاران بیمه‌های اموال در تحقق طرح حمایت از بزه‌دیدگان به منصفه ظهور رسیده است.^{۱۷} مضاف بر آن ماهیت تعاونی شرکت‌های بیمه‌گر سبب می‌شود که

۱۴. مطابق گزارش سازمان جهانی بهداشت، سالیانه بیش از ۱/۲۵ میلیون نفر در جهان در تصادفات رانندگی جان خود را از دست می‌دهند؛ باوجود این همواره بیمه ناشی از حوادث رانندگی، یکی از رایج‌ترین پوشش‌های بیمه‌ای محسوب می‌گردد. (پژوهشکده بیمه مرکزی ج.ا.ا، مجری: گروه پژوهشی بیمه‌های اموال و مسئولیت، «گزیده آماری مرتبط با بیمه شخص ثالث» گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده بیمه مرکزی ج.ا.ا، بهار ۱۳۹۶)، ۶ قابل‌دسترسی در سایت: www.irc.ac.ir.

۱۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص موارد تحت پوشش صندوق تأمین خسارات جانی بیمه مرکزی، نک: ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵.

۱۶. نک: بند الف ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵. مطابق این ماده، هشت درصد از حق بیمه اجباری موضوع بیمه حوادث رانندگی به صندوق اختصاص می‌یابد.

۱۷. محمدناصر مبرقی، «گذر از منطق کیفی به منطق بیمه‌ای در سیاست جنایی رهاورد نوین عدالت ترمیمی»، *الهیات و حقوق* ۱۳ (۱۳۸۳)، ۳۶.

بیمه در تأمین هزینه‌های مالی پوشش اخیر با توجه به قانون اعداد بزرگ^{۱۸} و نیز حق بیمه‌های دریافتی از بیمه‌گذاران همگون و نیز با تکیه بر اصل قائم‌مقامی^{۱۹} با وضعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی مواجه نگردد. این درحالی است که در این میان نقش دانش مدیریت ریسک و ابزار صنعت بیمه در جهت کنترل میزان خطر موضوع بیمه‌نامه را (همانند در نظر گرفتن حد غرامت کلی و شرایط عمومی و خصوصی ناظر بر بیمه‌نامه) نمی‌بایست نادیده گرفت.

۱- چిستی - چرایی «حقوق بیمه جنایی»

۱-۱- تعریف حقوق بیمه جنایی

حقوق بیمه جنایی را قلمرویی میان‌رشته‌ای از حقوق بیمه و حقوق جنایی می‌توان تعریف کرد که با توسل به ابزار و دانش مدیریت ریسک در حقوق بیمه و با تکیه بر تدابیر اصلاحی و بازپرورانه در علوم جنایی، موجبات اعاده نظم عمومی از دست‌رفته را از طریق جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و کنترل حالت خطرناک مجرم، فراهم می‌آورد. در حقوق بیمه جنایی اصل جانشینی یا قائم‌مقامی از جایگاه ویژه‌ای در جهت حفظ نظم عمومی و رعایت اخلاق حسنه برخوردار است.

این تعریف که تا حد بسیاری معطوف به کارکرد حقوق بیمه جنایی نیز می‌گردد، می‌تواند به‌گونه‌ای دیگر نیز بیان گردد. بدین‌سان که «حقوق بیمه جنایی مجموعه قواعد و اصولی است که ناظر بر ارزیابی، پذیرش، تدوین شرایط عمومی و خصوصی و نهایتاً پوشش ریسک خسارت ناشی از جرایم در سیطره صنعت بیمه به‌منظور اصلاح و بازپروری بزهکاران و البته ترمیم خسارت بزه‌دیدگان می‌باشد.» تعریف مزبور که به‌مراتب کلی‌تر از تعریف نخست می‌باشد، اولاً موجبات شناسایی مختصات دقیق این رشته را فراهم خواهد آورد و ثانیاً دایره مشابهت آن را به سایر قراردادهای موجود در صنعت بیمه همانند بیمه جرم را نیز مهیا

۱۸. احتمال ریاضی نظری و احتمال تجربی موجب پیدایش قانون اعداد بزرگ شده است؛ بدین‌نحو که طی آزمایش‌های بسیار زیاد، احتمال ریاضی تجربی به احتمال ریاضی نظری نزدیک‌تر می‌شود. بدین‌سان هراندازه موضوع مورد مطالعه وسیع‌تر و موارد مشابه زیادتر باشد، نتایج حاصله نزدیک‌تر و دقیق‌تر خواهد بود. لذا تعداد زیاد افرادی که ریسک‌های مشابه دارند موجب تفوق بیمه‌گر در عملیات بیمه‌گری می‌گردد. (کریمی، پیشین،

می‌نماید. در واقع هم‌پوشانی ظرفیت‌های مشترک صنعت بیمه و علوم جنایی در امر مدیریت ریسک و جبران خسارت (همانند بیمه جرم) موجب می‌گردد که بیمه‌گران جهت ورود به عرصه قراردادهای مدنظر در حیطة پژوهش اخیر (بیمه احتیاطی)، مواجه با وضعیت ناشناخته‌ای از جهت تدوین شرایط عمومی و خصوصی و نهایتاً رسیدگی به موارد مبتلابه یک بیمه‌نامه نظیر شرایط فسخ، ابطال، افزایش حق بیمه، قاعده نسبی و ... نباشند و دیگر آنکه، صنعت بیمه در پوشش بیمه‌نامه‌های دیگر که ناظر بر جبران خسارت در حوزه جرایم عمدی است، به‌نحو مؤثرتری از قبل نمایان شده و بیمه جرم را همان‌گونه که در دیگر نقاط دنیا وجود دارد مورد بررسی و نهایتاً بهره‌برداری مطلوب قرار دهد.^{۲۰}

۱-۲- پاسخ‌شناسی جرم در پرتو حقوق بیمه جنایی و سیاست جنایی بیمه‌مدار

بررسی سیر تحولات تاریخی صنعت بیمه نشان از آن دارد که این صنعت از بدو حیات خویش تاکنون توانسته است با تمسک به ابزار و ظرفیت‌های کنترل و مدیریت ریسک، موجبات بهتر زیستن بشر را فراهم آورد و از این طریق، موجب تأمین آرامش و امنیت خاطر وی گردد. البته مدیریت ریسک‌های ابتدایی صنعت بیمه، تنها محدود به خطراتی می‌گردد که ریشه در بلاای طبیعی و پیشامدهای خارج از حیطة اراده انسان داشت؛ اما به‌تدریج و با بروز و ظهور خطرات متعددی از جلوه‌های مسئولیت مدنی در زندگی اجتماعی، صنعت بیمه برمبنای نظریاتی همچون خطر و تقصیر^{۲۱}، جهت پوشش ریسک‌های به‌وجودآمده از ناحیه انسان، پویای مؤثری در جهت حفظ آرامش و آسودگی خیال زندگی مدنی آغاز نمود، به‌طوری‌که هم‌اکنون، رشته بیمه‌های مسئولیت، در تمام دنیا یکی از پیشروترین و متنوع‌ترین رشته‌های بیمه‌ای می‌باشد.^{۲۲} اما صنعت بیمه در طی ادوار پیشین، در زمینه جبران خسارت ناشی از رفتارهای عمدی و به‌تبع آن مجرمانه تا حدی علی‌رغم وجود ظرفیت‌های مؤثر در این زمینه،

۲۰. متأسفانه مصادیق بیمه‌های جرم همانند سایر بیمه‌نامه‌ها در نظام بیمه‌ای - حقوقی داخلی بسیار محدود و غیراثربخش می‌باشد، این درحالی است که بیمه جرم در سایر نظام‌های بیمه‌ای - حقوقی دنیا خصوصاً برای شرکت‌های بازرگانی، جزء یکی از پوشش‌های بیمه‌ای پرکاربرد و پر فروش می‌باشد.

۲۱. نظریات خطر و تقصیر (خطا) از مبانی اصلی برقراری مسئولیت مدنی می‌باشند. برای مطالعه بیشتر نک: دیوید اف برادفور، بیمه‌های اموال و مسئولیت، ترجمه رضا افق و امیر یوسفیان (تهران: پژوهشکده بیمه وابسته به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳)، ۴۳.

۲۲. همانند بیمه‌های اجباری شخص ثالث، بیمه‌های مسئولیت حرفه‌ای پزشکان، بیمه‌های مسئولیت حرفه‌ای مهندسان و ...

منفعلا نه عمل نموده است.

به صورت کلی می‌توان گفت، مداخله بیمه در عرصه جرایم عمدی به دو گونه کلی قابل‌رهیافت است. ابتدا پوشش جبران خسارت‌های عمدی از ناحیه اشخاص و افرادی به غیر از بیمه‌گذار و نمایندگان وی که در اکثر بیمه‌نامه‌های اموال و مسئولیت نمود دارد^{۲۳} و دیگری تحت عنوان بیمه‌نامه جرم^{۲۴} که موضوع بیمه‌نامه مزبور به‌طور خاص، پوشش خطرهای ناشی از جرایم عمدی علیه بیمه‌گذاران می‌باشد.^{۲۵} با این توضیح که در بیمه‌نامه جرم، اصولاً خطر تحت پوشش و یا به‌تعبیری دیگر موضوع بیمه‌نامه، جبران خسارت ناشی از رفتارهای مجرمانه است و بیمه‌گر با قبول چنین ریسکی اقدام به پوشش خسارت می‌نماید، اما در سایر بیمه‌نامه‌ها، پیش‌فرض بیمه‌گر آن است که خطر تحت پوشش ناشی از حوادث غیرمترقبه و نهایتاً قصور و یا بی‌احتیاطی شدید است. البته بدیهی است همان‌گونه که بیان گردید، پوشش خسارت ناشی از رفتارهای مجرمانه (تعمدی) چنانچه از استثنائات قرارداد نباشد و هنگامی که از ناحیه افرادی دیگر به غیر از بیمه‌گذار ایجاد شده باشد با توسل به اصل جانشینی بلا مانع خواهد بود.

در توجیه عدم امکان پوشش خسارت‌های عمدی توسط بیمه‌گذار بیان شده است، بیمه تدبیر تضمین خسارت‌های ناشی از حوادث و اتفاقات است و عملیات آن بر محاسبات ریاضی مبتنی بر آمار و احتمال وقوع بنا شده است؛ لذا پوشش دادن به خسارت‌های ناشی از عمد بیمه‌گذار بیمه‌نامه با منطقی بیمه‌ای در تضاد آشکار است. از این‌رو، بیمه اموری را که وقوع آنها اتفاقی و مستقل از خواست و اراده بیمه‌گذار یا ذی‌نفع است، پوشش می‌دهد. ایراد خسارت عمدی توسط بیمه‌گذار امری اتفاقی محسوب نمی‌شود و قبول پوشش بیمه‌ای آن، تمامی آمار و احتمالات اساس بیمه‌گری را برهم می‌زند؛ بر همین مبنا قانونگذار، خسارت‌های عمدی بیمه‌گذار را از عداد ریسک قابل‌بیمه، خارج نموده است. مطابق ماده ۱۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، «بیمه‌گر مسئول خسارت ناشی از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود.» البته از ظاهر ماده چنین برمی‌آید که خسارت‌های ناشی از خطا و تقصیر بیمه‌گذار نیز جزء استثنای قرارداد بیمه محسوب می‌شود، ولی به این ظاهر نمی‌توان اطمینان کرد؛ چراکه

۲۳. لازم به توضیح است که در اکثر مواقع خسارت‌های ناشی از جنگ، شورش و رفتارهای خرابکارانه جزء استثنائات بیمه‌نامه‌ها محسوب می‌گردد.

24. Crime Insurance.

25. "Commercial Crime Insurance, Chapter 9, pp. 21-23", Last modified November 22, 2018, <http://mikerussonline.com/CA/pdfs/9.pdf>.

همان‌طور که بیان گردید، سنگ‌بنای بیمه‌های مسئولیت که یکی از پیشروترین رشته‌های صنعت بیمه در دنیای امروز است، بر اساس خطا و تقصیر بیمه‌گذار ابتناء گردیده است.^{۲۶} اما مدنظر قانون، ایراد خسارت عمدی است که قابل‌جبران از جانب بیمه‌گر نمی‌باشد. این موضوع در سایر نظام‌های حقوقی نیز به رسمیت شناخته شده است^{۲۷}؛ اما همان‌گونه که اشاره گردید، قانونگذار تکلیف بیمه‌گر به پرداخت را در مورد ایراد خسارت عمدی توسط بیمه‌گذار یا نمایندگان قانونی وی نفی نموده است. هرچند در مواردی که بیمه‌گذار مسئولیت خسارت‌های ناشی از فعل کارگران و یا کارمندان خویش را بیمه می‌نماید، منعی جهت پوشش بیمه‌ای خسارت ناشی از عمد آنان وجود ندارد. در واقع این خسارت عمدی، ریسک بیمه‌گذار در حوزه فعالیتش محسوب می‌گردد و او می‌تواند برای جبران آن پوشش بیمه‌ای خریداری نماید. پوشش این خسارت منافاتی با منطبق بیمه‌ای ندارد و مشمول استثنای ماده ۱۴ نمی‌گردد.^{۲۸} بر همین اساس، یکی از بیمه‌نامه‌های معمول در عرصه بین‌المللی، بیمه‌نامه «صداقت در امانت» می‌باشد که در آیین‌نامه شماره ۸۳ بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است. این بیمه‌نامه برای پوشش بیمه‌ای تقلب یا خیانت در امانت کارکنان به‌ویژه در بخش مالی ارائه می‌شود. بر اساس شرایط عمومی مندرج در این نوع بیمه‌نامه، بیمه‌گر مسئول جبران خسارت ناشی از تقلب یا خیانت در امانت کارکنان بیمه‌گذار طبق شرایط و ضوابطی خواهد بود. مطابق شرایط عمومی و خصوصی در این بیمه‌نامه، بیمه‌گذار می‌بایست مشخصات فردی هریک از کارکنان شامل وضعیت خانوادگی، اقتصادی، محل زندگی، مسئولیت شغلی و ...، به انضمام سقف تعداد پیشنهادی برای وی را به بیمه‌گر ارسال نماید و بیمه‌گر بر اساس بررسی سوابق فردی کارمند (بیمه‌شده) و در نظر گرفتن میزان تمهیداتی که به لحاظ امنیتی بیمه‌گذار در فعالیت‌های مالی کارمند خویش در نظر گرفته است، نسبت به محاسبه حق بیمه و درنهایت، صدور بیمه‌نامه، اقدام نماید.^{۲۹} به‌عنوان مثال، این بیمه‌نامه برای شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بیمه‌گذار صادر گردیده است که در آن زیان‌های ناشی از صدور بلیت‌های جعلی و نیز ارائه رسیدهای غیرواقعی انبار

۲۶. بابایی، پیشین، ۸۷.

۲۷. نک: ماده ۱-۱۱۳ قانون بیمه فرانسه.

۲۸. بابایی، پیشین، ۹۱.

29. "Zurich -Commercial-Crime Insurance," Commercial and General Insurance Brokers, Last modified October 31, 2018, <http://www.comgen.com.au/downloads/zurich/Zurich-Commercial-Crime.pdf>, pp. 4-16.

توسط کارکنانی که قبلاً طی فهرستی اسامی آنان (به‌عنوان بیمه‌شده) به بیمه‌گر ارائه شده است، زیر پوشش قرار گرفته است.^{۳۰}

حال به‌نظر می‌آید، ظرفیت موجود، به‌طور گسترده‌ای در پرتو ادبیات و آموزه‌های مشترک صنعت بیمه و علوم جنایی قابل‌رهیافت است. به‌طوری‌که می‌توان گفت راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار محصول توسعه بیمه جرم از سیطره محدود کنونی به گستره‌ای اثرگذارتر از پیش در قالب پاسخ‌دهی به جرم می‌باشد. این رهیافت گسترده مبتنی بر این پارادایم است که چنانچه نفع بیمه‌ای بیمه‌گذاری را تضمین ریسک‌هایی قلمداد نماییم که ممکن است از ناحیه برخی از افراد به‌صورت مجرمانه (عامدانه) ایجاد گردد، می‌توان آن افراد را بیمه‌شده قراردادی تصور نمود که بیمه‌گذارش با تمسک به تدبیر انتقال ریسک، خطرهای ناشی از اقدامات عامدانه آنها را نزد بیمه‌گری، بیمه نموده است.

حال چنانچه سامانه عدالت جنایی به‌عنوان بیمه‌گذاری تلقی گردد که مسئولیت خطرات ناشی از تکرار جرم (پیشگیری نوع سوم) و نیز جبران خسارت بزه‌دیدگان را برعهده دارد؛ آیا می‌توان ریسک‌های موجود را در پاره‌ای از موارد با تمسک به تدبیر انتقال ریسک به نهاد بیمه منتقل نمود؟ پاسخ به پرسش مدنظر فارغ از جنبه انتزاعی و نظری آن، نیازمند اتکاء به مقتضیاتی است، به‌گونه‌ای که برای مثال، قواعد محاسبه و ریسک‌پذیری در رفتارهای عمدی برخلاف قواعد ریسک‌پذیری در رفتارهای غیرعمدی نیست؛ اما ابزار کنترل و مدیریت ریسک ناشی از رفتارهای عمدی، از جنس متفاوتی با سایر رفتارهای خارج از این محدوده است؛ اما از آنجاکه ماهیت عملیات بیمه‌ای برای بیمه‌گر، گریز از خطر است، فعالیت بیمه‌ای که فارغ از ابزار کنترل و مدیریت ریسک در خصوص رفتارهای عمدی باشد، این شائبه را ایجاد می‌نماید که بیمه‌گران در برخورد با این‌گونه رفتارها، همواره در معرض خطری تام یا دست‌کم، قریب‌الوقوع‌اند. درحالی‌که به‌نظر می‌آید، ارائه پوشش بیمه‌ای در این زمینه به‌مراتب کم‌خطرتر از سایر رشته‌های بیمه‌ای باشد که امروزه از بیمه‌نامه‌های رایج صنعت بیمه محسوب می‌گردد.^{۳۱}

نگارندگان در این مقاله پاسخ به این سؤال را مثبت یافته‌اند و معتقدند، ساماندهی مداخله

۳۰. بیمه‌نامه امانت، صادره توسط شرکت سهامی بیمه ایران به شماره ۱۳۸۱/۲۸۲۹/۳۱۰/۹۹۹۵/۲۸۷۷۲.
 ۳۱. مطابق گزارش سازمان جهانی بهداشت، سالیانه بیش از ۱/۲۵ میلیون نفر در جهان در تصادفات رانندگی جان خود را از دست می‌دهند؛ باوجوداین همواره بیمه ناشی از حوادث رانندگی، یکی از رایج‌ترین پوشش‌های بیمه‌ای محسوب می‌گردد. (پژوهشکده بیمه مرکزی ج.ا.ا، پیشین، ۶)

بیمه در عرصه سیاست جنایی جهت تأمین هدف‌های راهبرد عدالت توافقی بیمه مدار در عرصه اصلاح و بازپروری بزه‌کاران و جبران و ترمیم بزه‌دیدگان، مبتنی بر رهیافتی می‌باشد که از پس بررسی قواعد مشترک ناظر بر حقوق بیمه و علوم جنایی حاصل می‌گردد. در این میان حقوق بیمه جنایی ابزاری جهت توسعه رهیافت اخیر خواهد بود. این درحالی است که توسل به این رهیافت در تمامی نظام‌های حقوقی امکان‌پذیر خواهد بود، به‌عنوان مثال در نظام حقوقی ایران، منطق بیمه‌ای تدوین رژیم حقوقی ناظر بر عدالت توافقی بیمه‌مدار، لحاظ نمودن نفع بیمه‌پذیری^{۳۲} برای قوه قضائیه در امر پیشگیری از جرم و اصلاح بزه‌کاران به استناد بند یکم و پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی و قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ می‌باشد.^{۳۳} براین‌مبنای، قوه قضائیه بیمه‌گذاری تلقی می‌گردد که می‌تواند ریسک ناشی از ارتکاب جرم را در حوزه اعطای فرصت‌های بازپذیرکننده جهت اصلاح و بازپروری به برخی از مرتکبان نزد بیمه‌گری که نماد مشارکت جامعه‌ی در عرصه مقابله با مخاطرات اجتماعی است، بیمه نماید. از سوی دیگر، از میان الگوهای جرم‌شناسانه با عنایت به آموزه‌های اسلامی و نیز اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۳۴}، به‌نظر می‌آید که الگوی اصلاح و بازپروری در جرم‌شناسی (دست‌کم در جرایمی که مجازات آنان تعزیری و بازدارنده است)^{۳۵} با اتکاء به تدابیری همچون کیفرزدایی، قضا‌دایی و یا کوتاه نمودن مداخله نظام قضایی در پاسخ‌دهی به جرایم در سال‌های اخیر بیش‌ازپیش، مدنظر سیاست جنایی قانونگذار بوده است.^{۳۶} از این‌رو بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی و به‌موجب اسناد بین‌المللی می‌توان

32. Insurable Interest.

۳۳. بر اساس ماده ۲ این قانون، ریاست شورای عالی پیشگیری از جرم که متشکل از وزارتخانه‌ها و نهادهای متعددی است، برعهده رئیس قوه قضائیه می‌باشد.

۳۴. بندهای شانزده‌گانه اصل سوم قانون اساسی، به ضرورت تعالی و ارتقای سطح زندگی همگان در تمامی عرصه‌های اجتماعی اشاره می‌نماید.

۳۵. مذاقه در نهادهایی همچون توبه و عفو نشان از آن دارد که حتی شارع در جرایم مذکور نیز به‌رغم پیروی از آموزه سزادهی در عدالت جنایی به ضرورت اصلاح و بازپروری مجرم توجه بسیاری داشته است.

۳۶. اگر گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در کنار گفتمان قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بررسی و سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در دو قانون مانند تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی، کیفرهای جایگزین، تعلیق تعقیب، ترک تعقیب، صلح میان طرفین و میانجیگری با هم تحلیل شوند، ملاحظه می‌گردد که قانونگذار در واقع سیاست کیفرزدایی، قضا‌دایی و کاهش و یا کوتاه کردن مداخله نظام قضایی، افتراقی و متنوع‌سازی فرایند پاسخ‌دهی به جرایم، بزه‌کاران و بزه‌دیدگان را اولویت بخشیده است. (علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، «گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» در مجموعه مقالات یادنامه علمی استاد ناصر قربان‌نیا، به کوشش حج اندیشه (قم: انتشارات دانشگاه مفید قم، ۱۳۹۶)،

از حق بر بازپروری بزهکاران سخن به میان آورد که به موجب آن، نظام عدالت جنایی و به‌طور خاص نظام کیفردهی، ملزم به ایجاد امکانات و اتخاذ تدابیر لازم جهت بهبود شرایط حرفه‌ای، آموزشی، مهارتی، روانی و ... بزهکاران به‌منظور پرورش و تربیت آنان جهت ورود مجدد و مسالمت‌آمیز این افراد به جامعه است.^{۳۷} چنین حقی نه‌تنها تضمین‌کننده توسل به کیفر و سایر تدابیر حذف‌کننده به‌عنوان آخرین و ناگزیرترین راه چاره است بلکه از دیگر سو، تأمین‌کننده حق بزهکار جهت جبران آثار جرم و نیز ایجاد امکان پاسخگویی درمقابل بزه‌دیده و اجتماع می‌باشد.^{۳۸} چنین رویکردی، بیش از سایر رویکردهای کیفرشناختی، تضمین‌کننده کرامت انسانی بزهکار و تأمین‌کننده امکان رشد و تعالی او در عرصه زندگی اجتماعی است.^{۳۹} راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار با ابتناء به چنین رویکردی در عرصه کیفرشناختی سعی نموده است تا با گسترش سیطره مصادیق مرتکبان مشمول نهادهای بازپذیرکننده، در این مسیر نقش مؤثری ایفاء نماید.^{۴۰} درواقع تقابل میان فرایند حبس‌گرایی و تناسب‌گرایی پاسخ‌ها نسبت به جرم، همواره یکی از چالش‌های اصلی نظام بازپروری در سیاست جنایی بوده است.^{۴۱} حال چنانچه بتوان این تقابل را تا حدی تلطیف نمود، حبس‌زدایی نتیجه غایی خواهد بود که زمینه را جهت توسعه سیاست جنایی بازپرورانه مهیا می‌نماید. در این راستا می‌توان گفت، راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار یکی از تدابییری است که درجهت تلطیف تقابل سنتی میان حبس‌گرایی و تناسب‌گرایی پاسخ‌ها نسبت به جرم، وارد عرصه سیاست جنایی گردیده است.

ویرایش دوم، ۶۰۶.

۳۷. نک: بند سوم ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

38. Edgrdo Rotman, "Do Criminal Offenders Have a Constitutional Right to Rehabilitation?," *Journal of Criminal Law and Criminology* 77(4) (1986): 1023-1068.

۳۹. حسین غلامی، کیفرشناسی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶)، ۶۰.

۴۰. به‌نظر می‌رسد که با اصلاح قانون و به‌کار بستن این نوع قرارداد بیمه‌ای میان مرتکب و دستگاه قضایی به‌عنوان یکی از زرادخانه‌های نهاد عدالت جنایی می‌توان با افزایش اطمینان از جبران خسارت ناشی از جرایم، نسبت به تعدیل بسیاری از پیش‌شرط‌های موجود در نهادهایی همانند تعویق، تعلیق و ... درجهت گسترش اعطای نهادهای ارفاقی به مرتکبان، پوشش مؤثری را آغاز و از این بیمه‌نامه (بیمه احتیاطی) به‌عنوان تدبیری احتیاطی در سامانه عدالت جنایی استفاده نمود. (برای مثال، با تمسک به این بیمه‌نامه می‌توان به مرتکبان جرایم اقتصادی بالای یکصد میلیون ریال نیز درصورت داشتن دیگر شرایط، تعویق و تعلیق اعطاء نمود و محدودیت بند ج - ماده ۴۷ قانون مجازات را تعدیل کرد.)

۴۱. امیرحسین نیازپور، *توافقی شدن آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲)، ویرایش دوم، ۶۹.

۱-۳- جبران و ترمیم خسارت

جبران و ترمیم خسارت ناشی از جرم، همواره بخش مهمی از دغدغه نظام عدالت جنایی را به خود اختصاص داده است. به‌گونه‌ای که در دوران باستان از آنجایی که جایگاه بزه‌دیده در نظام عدالت جنایی بسیار پررنگ بود، جبران زیان ناشی از جرم اولویت نخست عدالت کیفری بود، اما رفته‌رفته حکومت جای بزه‌دیده را اشغال کرد و با به حاشیه راندن وی، جبران ضرر و زیان اولویت فراموش‌شده‌ای گردید که جای خویش را به چگونه کیفر دادن بزهکار داده بود، به‌طوری که می‌توان اوایل قرن نوزدهم را «دوره نادیده گرفتن حقوق بزه‌دیده» دانست. با ظهور بزه‌دیده‌شناسی در اواسط قرن نوزدهم مجدداً زمینه احیای جایگاه از دست‌رفته بزه‌دیده در نظام عدالت جنایی فراهم گردید.^{۴۲}

آنچه که مسلم است هنگامی که جرمی رخ می‌دهد و از رهگذر آن خسارتی ایجاد می‌گردد تمامی نگاه‌ها در درجه نخست معطوف به بزهکار است، کسی که با نقض قانون یا مخالفت با اراده قانونگذار به دیگری صدمه وارد کرده است. مبنای این مسئولیت مبتنی بر سه نظریه تقصیر، منافع و موازنه است.^{۴۳} اما در عمل، امور متعددی باعث می‌شود که خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار جبران نشده باقی بماند. مواردی از قبیل شناخته نشدن بزهکار، فرار و یا مرگ بزهکار، عدم کفایت درآمد بزهکار و ...، موجب گردیده است تا اندیشه گسترش مسئولین پرداخت خسارت ناشی از جرم، در نظام‌های حقوقی مطرح و تثبیت گردد.^{۴۴} این اندیشه ابتدا نه در حقوق کیفری بلکه در حقوق مدنی بسط و توسعه یافته است. مسئولیت مدنی در سده‌های نوزدهم و بیستم تحول یافت و آنچه در این تحول، تأثیر شگرفت داشت «عینی‌سازی»^{۴۵} و «جمعی‌سازی»^{۴۶} مسئولیت بود. تحول صنعتی و ماشینی شدن فعالیت‌های بشری، از جمله عوامل اثرگذار در این تغییر به‌شمار می‌رود که باعث افزایش کمی و کیفی دامنه خسارت‌ها گردید.

در این میان شاید بتوان گفت، صنعت بیمه به‌عنوان اولین نهاد جامعوی بر پایه اصل تعاون می‌باشد که اندیشه توسعه مسئولیت مدنی فردی به مسئولیت مدنی اجتماعی را در مقام

42. James Dignan, *Understanding Victims and Restorative Justice* (USA: Open University Press, 2005), First Published, 63.

۴۳. برای مطالعه بیشتر نک: احمد حاجی‌ده‌آبادی، *جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی* (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷)، ۱۲۲-۱۱۸.

۴۴. همان، ۱۵۰-۱۴۵.

45. Objectivation.

46. Collectivisation.

عمل، ترجمان نمود. توانگری نهاد بیمه در عرصه جبران در سیاست جنایی هنگامی هویدا می‌گردد که محدودیت‌ها و کاستی‌های پیش روی جبران خسارت دولتی را در نظر داشت. در این صورت نهاد بیمه به‌عنوان منبع جایگزین می‌تواند با توسل به سازمان‌دهی متمرکزی که در این خصوص دارا می‌باشد، مساعدت شایان توجهی در این حوزه به سیاست جنایی بنماید. مضاف بر این ظرفیت مستقیمی که بیمه در پوشش جبران خسارت دارد، درآمدهای حاصله از شرکت‌های بیمه نیز می‌تواند به‌طور غیرمستقیم مصروف حمایت از بزه‌دیدگان گردد.

با وجود آنکه مهم‌ترین اشخاص جایگزین بزهکار در جبران خسارت بزه‌دیده، دولت و نهادهای عمومی می‌باشد؛ اما عمده تفاوت دولت و نهادهای عمومی، در شیوه پرداخت خسارت است. در پرداخت خسارت دولتی به دلیل آنکه خزانه عمومی منشأ جبران تلقی می‌گردد، به‌نظر می‌آید پرداخت دولتی می‌بایست از مبنا یا مبانی بسیار قوی برخوردار باشد، چراکه عموماً دولت برای اعمال زیان‌بار خویش نیز حاضر به جبران خسارت نیست تا چه رسد جبران آثار زیان‌بار اعمال غیر.

اگرچه نظریاتی در پرتو قصور و تقصیر دولت در حمایت از بزه‌دیده و ناشی از قرارداد اجتماعی در پی ایجاد مبنایی برای این جبران می‌باشند اما هزینه‌های بالای این جبران معمولاً موجب می‌گردد تا دولت‌ها این نحو از جبران و ترمیم خسارت را به‌صورت استثنایی بپذیرند؛ به‌طوری‌که به‌صورت کلی می‌توان جبران دولتی زیان بزه‌دیدگان را بر پایه دو مبنای کلی پردازش نمود، مسئولیت مدنی دولت در قبال بزه‌دیدگان و دیگری وجود مصالح اجتماعی؛^{۴۷}

«برنارد بلور» در این باره می‌نویسد: «به‌طور کلی نظریه‌ها و توجیهات زیربنایی بسیار مختلفی در این باره بحث شده است. به‌عنوان مثال، نظریه مسئولیت مطلق^{۴۸}، نظریه قصور دولت^{۴۹}، نظریه حمایت مساوی^{۵۰}، نظریه بشردوستانه^{۵۱}، نظریه تعهد اجتماعی^{۵۲} و نظریه رفاه اجتماعی^{۵۳} را می‌توان نام برد ...»^{۵۴}

۴۷. حاجی‌ده‌آبادی، پیشین، ۲۴۹-۲۰۷.

48. Strict Liability Theory.

49. The Government Negligence Theory.

50. The Equal Protection Theory.

51. The Humanitarian Theory.

52. The Social Obligation Theory.

53. The Social Welfare Theory.

54. Bernhard Villmow, "Victim Compensation in Some Western Countries," in *Victims and Criminal Justice*, Vol. No. 51, ed. Kaiser (G), Kury (H) and Alberch (H.J) (Freiburg, Germany: Max Planck International Penal Law, 1991), 175-179.

دغدغه وظیفه دولت و به‌نوعی حاکمیت در جبران خسارت در منابع فقهی نیز قابل‌دستیابی است، به‌گونه‌ای که جستاری در مبانی و ادله فقهی، پژوهشگر را به لزوم بررسی مبانی و ادله ضمان‌آور و از سویی مبانی و ادله تکلیف‌آور در این خصوص هدایت می‌نماید. در باب ادله ضمان‌آور می‌توان به سه قاعده فقهی: الف) لایبطل دم امرء مسلم؛ ب) لایبطل حق امرء مسلم؛ پ) قاعده من له الغنم فعلیه الغرم و همچنین جبران خسارت بزه‌دیده به‌عنوان یکی از مصارف زکات اشاره نمود.^{۵۵}

اما باوجود این همان‌گونه که بیان گردید، پذیرش این نظریات در خصوص جبران خسارت دولتی، چه در فقه اسلامی و چه در حقوق عرفی با مشکلاتی همراه بوده است، به‌طوری‌که تمایل بر آن است که سازمان‌دهی این جبران را با اتکاء به نهادهای جامعوی و یا با همکاری مؤثر آنان پیگیری نمود. از سویی شیوه جبران خسارت توسط نهادهای عمومی غیردولتی و یا جامعوی نسبت به پرداخت‌های دولتی مزیت‌هایی دارد که خارج بودن این فرایند از نظام قضایی، درآمدزایی و کاهش هزینه‌ها، تنوع نهادها و ترویج حس هم‌بستگی و هم‌دلی در پیکره جامعه، از مهم‌ترین آنان است.

صنعت بیمه به‌طورکلی در قالب دو گروه عمده قراردادهای بیمه اموال و مسئولیت که هریک دارای تنوع و گستردگی فراوانی هستند، مستقیماً در راستای جبران خسارت‌های مادی اهتمام ویژه‌ای می‌بخشد؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت، تعمیم قراردادهای بیمه اموال (همانند بیمه‌های سرقت، آتش‌سوزی و محصولات) و نیز بیمه‌های مسئولیت (از قبیل بیمه مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری و مسئولیت کارفرمایان درمقابل کارکنان و اشخاص ثالث و مسئولیت‌های حرفه‌ای) به تکوین حاشیه امن قابل‌اتکایی، برای جبران خسارت‌های مادی منجر می‌گردد.^{۵۶} این درحالی است که در طی سال‌های اخیر، توسعه قراردادهای بیمه مسئولیت آن‌چنان شکوفا شده است که کمتر موردی از مسئولیت را می‌توان یافت که صنعت بیمه از ارائه پوشش تأمین آن خودداری ورزد.^{۵۷}

بدین‌سان می‌توان گفت، تأسیس عدالت توافقی بیمه‌مدار در هر نظام سیاست جنایی،

۵۵. برای مطالعه بیشتر نک: حاجی‌ده‌آبادی، پیشین، ۳۱۵-۲۶۵.

۵۶. مبرقی، پیشین، ۳۰.

۵۷. ایجاد هر پوشش نوین بیمه‌ای منطبق با شرایط ریسک و به‌کارگیری ابزار کنترل و مدیریت آن، به همراه محاسبه حق بیمه متناسب با آن پوشش امکان‌پذیر می‌باشد. (برای مطالعه بیشتر نک: آلن پاول، بیمه‌های مسئولیت، ترجمه: علی‌اکبر ریسه (تهران: انتشارات پژوهشکده بیمه ج.ا.ا، ۱۳۸۱)، چاپ اول، ۳۴)

تدبیری مناسب جهت اهتمام به نقش حاکمیت در عرصه جبران خسارت بزه‌دیدگان می‌باشد که در عین حال هزینه اقتصادی آن به بخش عمومی و نیز جامعه محکومان (مرتکبانی که خواستار استفاده از فرصت مذکور هستند)، برون‌سپاری گردیده است.^{۵۸} در واقع ترجمان نقش حاکمیت در جبران خسارت بزه‌دیدگان در پرتو عدالت توافقی بیمه‌مدار با ابتناء به اصل نفع بیمه‌پذیر (بیمه‌گذار قلمداد شدن قوه قضائیه یا همان حاکمیت به معنای وسیع) از پس منطق بیمه‌ای و نیز نظارت بر فرایند مذکور، در قالب جرم‌شناسی محکومان نیز قابل بررسی می‌باشد.

۴-۱- بازدارندگی بازاندیشیده در پرتو تدابیر پیش‌گیرنده بیمه‌ای

نظریه بازدارندگی^{۵۹} یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نظریه‌های مربوط به توجیه کیفر است. در عین حال این نظریه، بیش از هر نظریه دیگری در جهت توجیه اعمال مجازات‌های سخت و شدید، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به طوری که در گفتمان جاری سیاست‌گذاران کیفری، نهادهای عدالت کیفری جهت توجیه مجازات‌های سرکوبگر حقوق کیفری، بیش از هر آموزه دیگر در علوم جنایی جهت جلوگیری از تکرار جرم توسط بزهکاران حرفه‌ای (بازدارندگی خاص) و در درجه بعد پیشگیری از ارتکاب جرم توسط عامه مردم (بازدارندگی عام)، به بازدارندگی که از اعمال مجازات‌های سخت و سرکوبگر ناشی می‌شود، اشاره می‌نمایند. بدین‌سان این نظریه به واسطه نقش و تأثیر آن بر بزهکار و نیز اشخاص ناکرده بزه نه تنها مبنای مهمی برای توجیه کیفر تلقی می‌گردد، بلکه بیانگر انتظاری است که از مجازات به‌عنوان مهم‌ترین عامل از بین‌برنده و حذف‌کننده اندیشه ارتکاب جرم، وجود دارد.

از آن‌روست که نظریه بازدارندگی از جمله نظریه‌های «نتیجه‌گرا»^{۶۰} در قلمرو نظریه‌های کیفرشناختی تلقی می‌شود. در این دسته از نظریه‌ها، پاسخ به جرم با توجه به نتایجی که از آن انتظار می‌رود، توجیه و تبیین می‌شود. فرض اساسی نظریه بازدارندگی آن است که انسان موجودی عاقل و اندیشمند است و در نتیجه به بررسی هزینه - فایده اعمال و اقدامات خود

۵۸. از آنجایی که بیمه‌گر اداره‌کننده یک صندوق تعاونی می‌باشد که اعضای آن بیمه‌گذارانی هستند که همگی در معرض خطرهای مشترکی قرار دارند به‌نوعی جبران خسارت نیز از تجمیع حق بیمه‌های دریافتی از آنان با توسل به قانون اعداد بزرگ تأمین می‌گردد. در خصوص بیمه احتیاطی نیز محکومان در قالب بیمه‌شده در واقع منبع جبران خسارت موضوعه (خسارت وارده بر بزه‌دیده احتمالی) تلقی می‌شوند. از این ابزار بیمه‌گران در صنعت بیمه تحت عنوان «ذخایر فنی» یاد می‌نمایند. (برای مطالعه بیشتر نک: کریمی، آیت، پیشین، ۱۴۸-۱۴۷).

59. Deterrence Theory.

60. Consequentialist.

می‌پردازد.^{۶۱} انسان عاقل و اندیشمند، موجودی حسابگر و درعین‌حال خواهان کسب حداکثر منفعت و حداقل مشقت است؛ بنابراین، وی در ارتکاب جرم، به‌گونه‌ای عمل خواهد کرد که منافع حاصل از ارتکاب آن را با مضار و مصائب ناشی از مجازاتی که برای آن جرم تعیین شده است، سنجیده و حسب ارزیابی اقتصادی و حسابگرانه ناشی از چنین هزینه - فایده‌ای به ارتکاب جرم پرداخته و یا از آن منصرف خواهد شد.

از این جهت، مجازات مهم‌ترین عامل مؤثر در ارزیابی و محاسبه بزهکار و در نتیجه بازداشتن وی از ارتکاب جرم تلقی می‌گردد. درست به همین دلیل است که نظریه بازدارندگی از جمله نظریه‌های فایده‌گرا یا سودانگار طبقه‌بندی شده است. در پرتو اندیشه فایده‌گرا، سود حاصل از اعمال مجازات در انصراف و بازدارندگی از تکرار جرم توسط بزهکار و منع یا تقلیل ارتکاب آن توسط دیگران نهفته است. بدین ترتیب، در بازدارندگی و فایده‌گرایی، مجازات نه بر اساس شدت جرم یا مسئولیت اخلاقی مرتکب آن، بلکه بر اساس قابلیت و کیفیت بازدارندگی آن از جرایم قابل‌وقوع در آینده تنظیم و تعیین می‌شود.^{۶۲}

این درحالی است که مطابق یکی از بهترین و آخرین ارزیابی‌هایی که از اثر بازدارندگی مجازات‌ها به‌عمل آمده است بین شدت مجازات‌ها و بازدارندگی از ارتکاب جرم ارتباطی موجود نیست. این تحقیق که معطوف می‌گردد به گزارش مرکز مطالعات جرم‌شناسی دانشگاه تورنتو (کانادا) توسط آنتونی داب و همکاران وی انجام پذیرفته است.^{۶۳} خلاصه یافته‌های پژوهش مذکور به شرح زیر است:

«در طول بیش از ۲۵ سال گذشته ادبیات مربوط به بازدارندگی مجازات‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. آن دسته از ارزیابی‌هایی که به بررسی محتوای مطالعات انجام‌شده راجع به تأثیر بازدارنده مجازات‌های شدیدتر پرداخته‌اند، نتیجه گرفته‌اند که مجازات مذکور فاقد هرگونه اثر بازدارنده هستند. درمقابل آن دسته از بررسی‌هایی که به این نتیجه رسیده‌اند که مجازات‌ها دارای اثر بازدارنده می‌باشند به‌شدت گزینشی بوده و مطالعات خاصی را انتخاب کرده‌اند که ارزش علمی آنها زیر سؤال است.»

۶۱ غلامی، پیشین، ۱۲۷.

62. T. Honderich, *Punishment, the Supposed Justification* (London: Pluto Press, 2006), 77.

63. Anthony N. Doob (University of Toronto), Cheryl Marie Webster (University of Ottawa) and Rosemary Gartner (University of Toronto), "Issues Related to Harsh Sentences and Mandatory Minimum Sentences: General Deterrence and Incapacitation, Research Summaries Compiled from Criminological Highlights," February 14, 2014, <https://criminology.utoronto.ca/wp-content/uploads/2013/09/DWG-GeneralDeterrenceHighlights14Feb2013.pdf>.

بدین ترتیب اگرچه از یک سو آموزه‌های مربوط به ضرورت مجازات نمودن و یا حق بر مجازات کردن نهاد عدالت کیفری را به سمت وسوی اعمال مجازات ترغیب می‌نمایند؛ اما در دیگر سو آموزه‌های مربوط به حق بر مجازات نشدن و یا تکلیف بر مجازات نمودن، بر ضرورت محاسبه تخصصی قضات در مقام توسل به کیفر به‌عنوان آخرین شر و آن هم در کمترین میزان آن، با این رویکرد که در حال حاضر توسلی دیگر به خرد بشری نرسیده است، تأکید می‌نمایند. بدین سان، در پرتو این نگاه خردورزانه است که می‌توان دریافت که «حقوق جزا نه دانش چگونه مجازات کردن، بلکه دانش چگونه مجازات نکردن است.»^{۶۴}

باین همه به نظر می‌آید، جهت حرکت در مدار مجازات نمودن می‌بایست در پرتو آموزه پیش‌گفته و سایر عقاید اندیشمندان معتقد بدین سلوک، تنها بازگو نمودن اندیشه ناب افاده مطلوب نخواهد نمود. پوییش در دگردیسی پاسخ به جرم و استفاده از تمام ظرفیت‌های نظام حقوقی اداری، صنفی، مدنی و حتی جامعه‌ی، لازمه حصول به مقصود اخیر است؛ چراکه نمی‌توان جامعه و نظام عدالت کیفری را بدون ابزار در برابر هجمه جرم و بزهکاری رها نمود. راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار با تمسک به تدبیر افزایش هزینه اقتصادی جرم، ترجمان بازدارندگی را در دنیای امروزه، از پس ابزاری از جنس تعهدات قراردادی (قرارداد بیمه) در جهت به خطر انداختن و محدودیت منافع اقتصادی، نمایان ساخته است.

برخلاف تصور اولیه که شاید از پس نظریه خنثی‌سازی دیوید ماتزا حاصل گردد، جریان ضرروزیان ناشی از جرم توسط راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار، موجبات تجری و افزایش میزان ارتکاب جرم را به وجود نمی‌آورد، چراکه به نظر می‌آید، منطقی پاسخ پردازش محاسبه سودوزیان حاصل از ارتکاب جرم در ذهن سودمندگرایانه مرتکب، در راستای ضمانت مدنی حاصله از راهبرد اخیر در پرتو اصل قائم‌مقامی که در آخر، مرتکب (بیمه‌شده) را مسئول جبران ضرروزیان ناشی از جرم می‌داند، در کنار جنبه سرکوبگر و قهرآمیز عدالت کیفری که ضمانت‌اجرای بدعهدی مرتکب را در دوران فرصت‌های قضایی (همانند تعویق و تعلیق)، اجرای کیفر پیشین (اجراننده) و لغو فرصت‌های ارفاقی در کنار اجرای مجازات جرم بعدی قلمداد نموده است، در مجموع منجر به سلب تمایل بزهکار (کنشگر منطقی) به ارتکاب جرم و نهایتاً تجلی نظریه بازدارندگی بازاندیشیده در پرتو سیاست جنایی مشارکتی می‌گردد.

۶۴ علی آزمایش، رابطه اخلاق و حقوق کیفری (سخنرانی)، خانه اندیشمندان علوم انسانی، تهران، ۱۳۹۲.

۲- سازه «حقوق بیمه جنایی» در بستر «سیاست جنایی بیمه‌مدار»

رژیم حقوقی ناظر بر بیمه احتیاطی در بستر راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار همانند دیگر قراردادهای بیمه به کنترل و مدیریت منشأ خطر می‌پردازد.^{۶۵} به طوری که در صورت وقوع خطر صنعت بیمه می‌تواند با جبران خسارت بزه‌دیده احتمالی، به مدیریت ریسک حاصل از ارتکاب جرم کمک شایانی بنماید. در واقع اجرای اصل جانشینی در راستای ماده ۳۰ قانون بیمه موجب می‌گردد تا پس از جبران خسارت بزه‌دیده از ناحیه بیمه‌گر، امکان بازیافت خسارت از مرتکب موجود باشد. اقدام اخیر، موجبات افزایش هزینه اقتصادی جرم را برای مرتکب فراهم می‌گرداند و به گونه‌ای مطابق با نظریه راهبرد جرم «موریس کوسن» در محدودسازی عایدی حاصل از جرم برای پیشگیری از تکرار آن می‌تواند مؤثر باشد.^{۶۶} از این رو، همان‌طور که پیشتر اشاره شد می‌توان گفت، رژیم حقوقی ناظر بر تعاملات بیمه‌ای مذکور در مقام احیای راهکار «ضمانت احتیاطی» معطوف به ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ با رویکردی نوین در جهت آفرینش نوعی از جایگزین‌های حبس و از سویی تسهیل و گسترش کارکرد دیگر نهادهای ارفاقی نظیر تعلیق، تعویق و غیره، مصنوع گردیده است؛ اما با این تفاوت که ایده اخیر، از مفهوم نهاد مذکور و تعامل آن با ابزار حقوق بیمه، رهیافت نوینی را در جهت نوعی از جایگزین‌های حبس ارائه نموده است و محدودیت اعتباری را به جای حصر فیزیکی برای برخی از بزه‌کاران (کنشگران منطقی) پیشنهاد داده و در عین حال، برآیند مالی حاصله را در جهت جبران ضرروزیان بزه‌دیده احتمالی مصروف می‌نماید.^{۶۷} تا از این طریق، علاوه بر حمایت از بزه‌دیدگان احتمالی، در جهت گسترش فرصت‌های بازپذیرکننده در زمینه

۶۵ در اینجا ارتکاب مجدد بزه در آینده، منشأ خطر قلمداد می‌شود.

۶۶ علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)، دوره دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهیه و تنظیم: محمدعلی بابایی، نیمسال نخست تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، بازبینی و اصلاح: امیرحمزه زینالی، ۷۷۴-۷۷۴.

۶۷ در واقع تضمین سپرده‌شده در قالب قرارداد بیمه از ناحیه مرتکب، ضمانتی جهت انجام حسن قراردادی است که میان مرتکب و دستگاه قضایی منعقد شده است. در این میان، شرکت بیمه‌گر نقش کاتولیزور را برای وصول این تضمین - در صورت عدم‌حُسن انجام قرارداد - ایفاء می‌نماید. ضرورت وجود واسطه‌ای میان دستگاه قضایی و مرتکب در این قرارداد وابسته به نقش حاکمیتی قوه قضائیه و از سویی دیگر، توجه به نقش تصدی‌گرایانه شرکت‌های بیمه‌گر از منظر حقوق عمومی و نیز حمایت هرچه تمام‌تر از حقوق بزه‌دیدگان است. در این صورت، می‌توان به قرارداد میان مقام قضایی و مرتکب با سازوکار بیمه‌های مسئولیت، تضمینی کارآمد بخشید.

اصلاح و بازپروری بزه‌کاران نیز نقش مؤثری ایفاء نماید.^{۶۸} این درحالی است که نهاد ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی، تضمین اخذگردیده از ناحیه مرتکب را در صورت ارتکاب مجدد بزه، بدون توجه به ضرورت پرداختن به امر ترمیم خسارات بزه‌دیدگان احتمالی به نفع دولت مصادره می‌نمود.

رویکرد مزبور با رویکرد بزه‌دیده‌مداری در سیاست جنایی معاصر سازگاری ندارد. لزوم حمایت از بزه‌دیدگان در قالب قواعد و مقررات بین‌المللی متعددی موردتوجه قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان، به قطعنامه مجمع عمومی ۱۹۸۵ سازمان ملل متحد با عنوان «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» و نیز قطعنامه ۱۹۹۰ مجمع عمومی در همین خصوص و در سطح شورای اروپا به «کنوانسیون خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌آمیز (استراسبورگ، ۱۹۸۳)» اشاره نمود.^{۶۹} درمقابل حقوق جنایی موضوعه ایران، بزه‌دیده‌مداری را بیشتر در قالب اعطای نقش به بزه‌دیده در فرایند رسیدگی قضایی به پرونده وی تعبیر نموده است. تجربه نشان می‌دهد اعطای نقش مزبور خود می‌تواند محملی جهت بزه‌دیدگی دومین قلمداد گردد؛ این درحالی است که غیر از موارد استثنایی در قانون مجازات اسلامی، هنوز منبع و سازوکار مشخصی در قانون جهت تأمین خسارت‌های

۶۸ «پیش‌بینی اصلاح مرتکب» به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های عام، کمابیش جهت فعلیت یافتن تمام نهادهای ارفاقی سیاست جنایی ایران (همچون تعویق صدور حکم، تعلیق و ...) حضور چشم‌گیری دارد. بدین‌سان، چنانچه سابق بر این، مقام قضایی با استفاده از اصل تفویض اختیارات قضایی و سلیقه‌گرایی و نیز داده‌های ناشی از پرونده شخصیت آن هم به‌طوری غیرنظام‌مند، اقدام به استفاده از نهادهای ارفاقی درخصوص مجرمان کم‌خطری می‌نمود که پیش‌بینی اصلاح آنان، به مصلحت می‌بود، حال می‌تواند - در مواردی که به اصلاح مرتکب اطمینان ندارد و بیم وقوع خطر مجدد از ناحیه وی را پیش‌بینی می‌کند - با استفاده از رژیم حقوقی قرارداد بیمه، به توافقات پیش رو با مرتکب، در قالب رژیم حقوقی بیمه‌نامه، تضمینی کارآمد را اعطاء نماید. صنعت بیمه نیز با توسل به نظم سازمان‌یافته‌ای که لازمه قبول ریسک‌های متعدد است، در قالب طرفین تعریف‌شده‌ای، با عنوان «بیمه‌گر، بیمه‌گذار، ذی‌نفع و بیمه‌شده» به ساماندهی اوضاع و احوالی که از احتمال وقوع ریسک موضوعه (ارتکاب بزه مجدد در آینده) حاصل می‌گردد، می‌پردازد. وانگهی، شرکت بیمه‌گر با ابزار جبران خسارت می‌تواند بستر مناسبی را جهت تحقق اهداف عدالت ترمیمی و ایجاد سازش میان مرتکب و بزه‌دیده (درخصوص ارتکاب جرم بعدی در دوران فرصت‌های ارفاقی و به‌تبع آن اعتبار بیمه‌نامه) نیز فراهم آورد. درواقع صنعت بیمه در این راهبرد وظیفه تنظیم‌گری پاسخ‌ها را به‌واسطه ابزار سیاست جنایی مشارکتی سامان‌دهی می‌نماید؛ چراکه نهاد بیمه محصول اصل تعاون و خرد جمعی در مقابله با خطرات مشترک است.

۶۹ مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده در فرایند کیفری (تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱)، چاپ اول، ۱۲۳-۱۰۴.

قابل مطالبه بزه‌دیدگان پیش‌بینی نشده است.^{۷۰}

ایده مزبور، در جهت تنظیم پاسخ‌دهی کیفری نسبت به اشخاص حقوقی نیز نگاه ویژه‌ای را معطوف نموده است؛ به‌طوری‌که در قبال تخلفات صنفی و کیفری این اشخاص به‌جای حذف و یا اقدامات سرکوبگر و سزادهنده صرف که در بسیاری از مواقع موجب صدمه به وضعیت اقتصادی جامعه می‌گردد، بتوان با افزایش هزینه اقتصادی ارتکاب جرم و تخلف، در عین پاسخ‌دهی به رفتارهای نابهنجار و کنترل حالت خطرناک آنان با ایجاد فرصتی دوباره، زمینه فعالیت اقتصادی سالمی را برای اشخاص مزبور فراهم نمود. چنان‌که در عمل، علاوه بر مدیریت ریسک خطرات ناشی از فعالیت‌های غیرمجاز آنان بتوان، جامعه را از اثرات مطلوب حضور آنان نیز بهره‌مند ساخت. در نتیجه به‌نظر می‌آید رویکرد اخیر، در جامعه‌پذیر نمودن اشخاص حقوقی نیز کارکرد مؤثری را می‌تواند ایفاء نماید.

بر اساس ماده ۳ از قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در هنگام انعقاد هر قرارداد بیمه‌ای می‌بایست به امور ذیل تصریح گردد. لذا در این قسمت از مقاله به تاسی از این قانون، به تبیین ارکان رژیم حقوقی مدنظر پرداخته شده است؛ اما قبل از پرداختن به ارکان رژیم حقوقی بیمه‌ای اخیر لازم به توضیح است، شرایط عمومی و خصوصی ناظر بر این بیمه‌نامه که همانند سایر قراردادهای بیمه‌ای در جهت کنترل و مدیریت ریسک موضوعه به‌کار گرفته می‌شود، باتوجه به دستورات و تدابیر مقام قضایی منطبق با تعویق و تعلیق مراقبتی و یا مفاد اقدامات ناظر بر جایگزین‌های حبس و مجازات‌های تکمیلی همانند انجام خدمات عام‌المنفعه و غیره، قابل‌همسان‌سازی می‌باشد.^{۷۱} این دستورات و تدابیر حسب مورد می‌توانند از جنس

۷۰. لازم به توضیح است لایحه حمایت از بزه‌دیدگان از سال ۱۳۸۸ هنوز در انتظار تصویب در مجلس و پیگیری دولت در این زمینه می‌باشد که هنوز محقق نگردیده است. موارد تعهد و جبران خسارت صندوق مذکور در مواد ۱ و ۲ این لایحه مورد اشاره قرار گرفته است که به‌نظر می‌آید با الگوبرداری از صندوق تأمین خسارت بزه‌دیدگان در فرانسه شکل یافته است. از آن‌رو رژیم حقوقی بیمه‌ای مدنظر در این پژوهش، با عنایت به عدم پوشش خسارت‌های کلیه جرایم در این لایحه می‌تواند، مکمل مناسبی جهت جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم محسوب گردد و از سویی، ظرفیت مذکور می‌تواند بستری جهت ایجاد تعاملات مشترک و هدفمندی میان صندوق مذکور با شرکت‌های بیمه‌ای در جهت درآمدزایی از حق بیمه‌های موضوعه و نیز مساعدت در امر جبران خسارت بزه‌دیدگان تلقی گردد.

۷۱. شرایط عمومی و خصوصی در بیمه‌نامه شروط ضمن عقدی می‌باشند که جهت کنترل و مدیریت ریسک موضوعه به‌کار بسته می‌شوند. لذا، بیمه‌گذار و به‌تبع آن بیمه‌شده، ملزم به رعایت آنان برای بهره‌مندی جبران خسارت از جانب بیمه‌گر می‌باشند. همانند تصریح شرط استفاده از عینک در گواهینامه رانندگی که می‌بایست عیناً توسط بیمه‌گذار جهت پوشش بیمه‌ای رعایت شود. (کریمی، پیشین، ۱۳۹۶، ۱۴۲-۱۱۲)

اقدامات آموزشی، فرهنگی، حرفه‌آموزی، درمانی و به‌طور کلی ترمیمی - اصلاحی باشند. مجموعه این تدابیر در قالب شرایط عمومی و خصوصی ناظر بر بیمه‌نامه می‌تواند در دو مقطع زمانی پیشاجبران و پساجبران، حسب مورد، تحقق یابد، به‌گونه‌ای که مرتکب به‌واسطه نظم سازمان‌یافته مذکور (شرایط عمومی و خصوصی) از ابتدای حیات بیمه‌نامه تا پایان مدت آن، در خدمت اهداف پیش‌گیرنده و بازپرورانه سیاست جنایی قرار گیرد.

۲-۱- تاریخ انعقاد قرارداد بیمه

تاریخ انعقاد قرارداد بیمه مدّ نظر، با عنایت به دستور و توصیه مقام قضایی در ارتباط با زمان اجرای تدابیر بازپذیرکننده نظیر تعویق، تعلیق و ... و یا مجازات جایگزین درخصوص مرتکب آغاز خواهد شد. بر اساس قوانین موجود، بجز قاعده موقعیت داشتن تعقیب (تعلیق تعقیب) در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که معطوف به مرحله تحقیقات مقدماتی می‌گردد، در سایر موارد فرصت‌های موجود جهت بازگشت‌پذیری مرتکب، به تاریخ مرحله دادرسی، مرحله صدور حکم و یا اجرای کیفر بازمی‌گردد. بدین ترتیب، رژیم حقوقی بیمه‌ای مدّ نظر می‌تواند در تطبیق با مواعد قانونی موجود حسب مورد، هم درجهت جایگزین‌های تعقیب (پیشادادری) و هم در جهت جایگزین‌های حبس (پسادادری)، در بستر راهبرد قراردادی شدن حقوق جنایی اقدام به ارائه پوشش مدّ نظر نماید.

۲-۲- مشخصات بیمه‌گر، بیمه‌گذار، بیمه‌شده و ذی‌نفع

الف) بیمه‌گر^{۷۲}: حسب مورد یکی از شرکت‌های بیمه بازرگانی می‌باشد که طی قراردادی در راستای تحقق سیاست جنایی مشارکتی و با تکیه بر تدابیر بازپرورانه و ترمیمی، وظیفه جبران خسارت‌های ناشی از حالت خطرناک بیمه‌شده را در طول مدت قرارداد عهده‌دار می‌باشد. سقف تعهدات بیمه‌نامه از ابتدا به توصیه بیمه‌گذار (مقام قضایی) در پیشنهاد بیمه‌نامه مشخص می‌گردد.

ب) بیمه‌گذار^{۷۳}: دستگاه قضایی (در راستای پیشگیری، اصلاح و بازپروری بزهکاران) محسوب می‌گردد که قصد دارد جهت اعطای فرصت و اعتباری مجدد به مرتکبان واجد شرایط، بستر مناسبی را جهت بازگشت‌پذیری آنان به جامعه فراهم نماید. باین‌همه به‌نظر می‌آید،

72. Insurer.

73. Policyholder.

دستگاه قضایی برای تأمین امنیت خاطر جامعه و اقناع وجدان قضایی از تصمیم خود، نیازمند تضمین کارآمدی است تا چنانچه مرتکب از این اعتماد سوءاستفاده کرده و دوباره برای جامعه خطری را ایجاد نماید، از آن محل (تضمین)، تا اندازه‌ای تبعات ریسک موضوعه جبران گردد.

پ) بیمه‌شده: بزهکاری است که تحت تدابیر و تعاملاتی با دستگاه قضایی، خواهان استفاده از نهادهای ارفاقی نظیر تعویق، تعلیق و ... می‌باشد؛ اما مقام قضایی در نظر دارد تا خطرهای ناشی از حضور مجدد وی در جامعه (ارتکاب مجدد بزه احتمالی در آینده)، تضمین گردد. ت) ذی‌نفع: بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان احتمالی است که می‌بایست ضرروزیان وارد به آنان از ناحیه ارتکاب جرم احتمالی بیمه‌شده (مرتکب) در طول مدت اعتبار بیمه‌نامه، جبران گردد.

۲-۳- موضوع بیمه‌نامه

«ضرروزیان مادی (مطابق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) ناشی از جرایم عمدی متناسب به بیمه‌شده در طول مدت قرارداد است که بر اساس قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین مرتبط، مستوجب مجازات‌های تعزیری و یا حسب مورد مجازات دیه خواهد بود.»^{۷۴}

موضوع این بیمه‌نامه در خصوص جرایم بی‌بزه‌دیده^{۷۵}، می‌تواند حسب مورد به جزای نقدی موضوعه، معطوف گردد.

در مورد خسارات ناشی از رفتارهای عمدی، بیمه‌گر امکان رجوع به بیمه‌شده و استفاده از تضامین اخذشده از وی توسط بیمه‌گذار (مقام قضایی) را خواهد داشت.

۲-۴- حادثه یا خطر موضوع عقد بیمه

ارتکاب جرایم عمدی از ناحیه بیمه‌شده در طول مدت قرارداد.^{۷۶}

۲-۵- ابتدا و انتهای بیمه

ابتدا و انتهای قرارداد بیمه، در رژیم حقوقی بیمه مذکور باتوجه به ضرورت و توصیه مقام قضایی جهت تحقق هدف‌های مربوط به سیاست جنایی تقنینی و پیشگیرانه و نیز باتوجه به

۷۴. در صورت تبدیل مجازات جرم عمدی (قصاص) به پرداخت دیه، می‌توان از پوشش این بیمه‌نامه استفاده نمود.
75. Victimless Crime.

۷۶. در جرایم مستوجب مجازات حدود، تنها سرقت حدّی مدنظر است.

معیارهای بیمه‌ای، با زمان‌های مشخص درمورد نهادهای همچون مجازات‌های جایگزین، تعویق و تعلیق مراقبتی و غیره، قابل‌همسان‌سازی خواهد بود.

۲-۶- حق بیمه

حق بیمه^{۷۷} از ناحیه مرتکب (بیمه‌شده) که متقاضی اعطای فرصت مجدد از جامعه است، اخذ خواهد گردید.^{۷۸} نحوه محاسبه میزان حق بیمه در بیمه‌نامه مدّ نظر، همانند دیگر قراردادهای بیمه‌ای، اکچوئری^{۷۹} حاصل از میزان ریسک موردبیمه با عنایت به میزان تعهدات شرکت بیمه‌گر و باتوجه به قوانین آماری صورت می‌پذیرد. در محاسبه حق بیمه اخیر، باید جنبه حمایتی و اجتماعی بر جنبه اقتصادی و بازرگانی آن غلبه داشته باشد تا با برآورد حق بیمه معقول^{۸۰} و متناسبی^{۸۱}، ضمن پوشش اهداف بازرگانی نسبی برای شرکت‌های بیمه‌گر، ابزار لازم درجهت ارتقای اهداف مدّ نظر این بیمه‌نامه در عرصه سیاست جنایی نیز فراهم گردد.

به‌منظور محاسبه حق بیمه موضوعه می‌توان معیارهایی که در علوم جنایی جهت مبارزه با جرم و کنترل بزهکاری مرسوم هستند را نظیر نوع جرم ارتكابی، جنسیت مرتکب، تأهل، سن، منطقه جغرافیایی سکونت مرتکب، سابقه کیفری و داده‌های مربوط به آمار جنایی (پرونده قضایی و پیراقضایی) را با عنایت به ماده ۱۰ آیین‌نامه ۸۱ بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران که ناظر بر معیارهای عمومی جهت تعیین نرخ حق بیمه‌ها در رشته‌های مختلف بیمه‌ای است، همسان‌سازی هدفمندی نمود. با وجود این، نگارندگان معتقدند در نظر گرفتن حد

77. Assurance Premium.

۷۸. لازم به توضیح است اگرچه بر اساس رویه معمول پرداخت حق بیمه برعهده بیمه‌گذار است اما این موضوع منافاتی با پرداخت حق بیمه توسط شخص دیگر، ندارد؛ چراکه لزوم تعهد به پرداخت حق بیمه، ناظر بر معوض بودن ماهیت عقد بیمه می‌باشد. البته بدیهی است در صورت عدم‌پرداخت حق بیمه، تنها بیمه‌گذار در برابر بیمه‌گر مسئول شناخته می‌شود. نمونه بارز آن، در قراردادهای بیمه بدنه شرکت‌های لیزینگ خودرو می‌باشد که شرکت لیزینگ به‌عنوان بیمه‌گذار در طول مدت قرارداد خودروی خود را بیمه نموده ولی مبلغ حق بیمه آن توسط مستأجر، تأدیه می‌گردد.

۷۹. اکچوئری، دانشی است که با استفاده از مهارت‌ها و علمی همچون آمار، احتمالات و ریاضیات به پیش‌بینی خطرات موجود بر سر راه موضوع تحت پوشش بیمه می‌پردازد. این اصطلاح اولین بار توسط ریاضیدان انگلیسی به نام «پترسون» در سال ۱۷۷۵ جهت محاسبه جدول عمر جامعه انگلیس مورد استفاده قرار گرفت. (مایکل شریز، اصول علم اکچوئریال، ترجمه علی صادقخانی و هاله فرزانه (تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۹۷)، ۲۲-۲۰).

80. Reasonable.

81. Proportionate.

گرامت کلی برای این محصول بیمه‌ای در طی یک سال در کنار اجرای آزمایشی این طرح از جمله ابزارهایی می‌باشند که می‌تواند در آینده، راهگشای نرخ‌گذاری متناسب‌تری در این زمینه تلقی گردد.^{۸۲}

علاوه بر آن اجرای آزمایشی طرح مذکور سبب می‌گردد تا سنجش آماری وارد عرصه سیاست جنایی ایران گردد. متأسفانه هم‌اکنون تنها روش سنجش شخصی که مبتنی بر بررسی رفتارهای سابق مرتکب است آن هم به‌نوعی ناقص در فرایند تصمیم‌گیری قضایی در طبقه‌بندی ریسک مجرمان نمود دارد.^{۸۳} این درحالی است که دو روش بالینی و آماری از ارکان اصلی سنجش ریسک محسوب می‌شوند و بررسی‌ها نشان داده است که روش سنجش شخصی به‌تنهایی، ناتوان از پیش‌بینی رفتارهای فرد در موقعیت‌های جدید است.^{۸۴}

۲-۷- میزان تعهد بیمه‌گر

میزان تعهد شرکت‌های بیمه‌گر در قرارداد بیمه یادشده برآیندی تقریبی، از تقویم مالی حالت خطرناک مرتکبانی است که می‌بایست خطرات ناشی از رفتارهای زیان‌آور آنان در آینده زیر پوشش قرار گیرد.

پارامترهای موردثوق، جهت ارزیابی سقف تعهدات بیمه‌نامه اخیر از طریق معیارهایی همچون نوع جرم ارتكابی پیشین مجرم، احتساب میزان ضرروزیان وارده به بزه‌دیده سابق مرتکب و یا میزان جزای نقدی در جرایم بی‌بزه‌دیده، تقویم مالی سقف مجازات قانونی سابق مرتکب با عنایت به ماده ۲۷ از قانون مجازات اسلامی، میزان قرار تأمین کیفری مندرج در پرونده قضایی پیشین، مختصات پرونده شخصیت و درنهایت، نتیجه معاینات بالینی، سنجیده خواهد شد. امکان پیمایش اخیر باید مطابق تعاملی هدفمند میان قوه قضائیه و شرکت بیمه‌گر عملیاتی گردد. بدیهی است که شرکت‌های بیمه‌گر در این خصوص نیازمند به‌کارگیری کارشناسان و متخصصان علوم جنایی جهت پردازش ارزیابی و بازبینی ریسک موضوعه

۸۲ لزوم جایگزینی مدل واقعیت آماری با مدل واقعیت رفتاری جهت پیش‌بینی تکرار جرم مرتکب نیز مؤید لزوم اجرای دوره آزمایشی این طرح است. جهت اطلاع بیشتر درخصوص جایگزینی مدل واقعیت آماری به‌جای مدل واقعیت رفتاری، نک:

Barbara Hudson, "Criminology, Difference and Justice: Issues for Critical Criminology," *Australian & New Zealand Journal of Criminology* 33(2) (2000): 172-173.

۸۳ امیر پاک‌نهاد، *سیاست جنایی ریسک‌مدار* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴)، چاپ دوم، ۲۳۸-۱۶۷.

84. L. Morris, *Dangerous Classes: The Underclass and Social Citizenship* (London, Routledge, 1994), 247.

می‌باشند. همچنان که در سایر رشته‌ها همانند بیمه‌های اشخاص، شرکت‌های بیمه از پزشکان معتمد جهت ارزیابی و بازبینی مختصات ریسک مدّ نظر استفاده می‌نمایند.

۳- قواعد حاکم بر «حقوق بیمه جنایی»

آنچه که مسلم است بیان قواعد عمومی ناظر بر حقوق بیمه جنایی در قالب پژوهشی اجمالی قابل‌انتظار نیست، اما نگارندگان در این مجال به فراخور اهمیت و اثرگذاری بحث به بیان موارد اصلی در این خصوص می‌پردازند.

۳-۱- اعلام دقیق کیفیت خطر مورد بیمه

نخستین وظیفه بیمه‌گذار در هنگام انعقاد قرارداد بیمه‌نامه، اعلام کیفیت و خصوصیات خطر مورد بیمه است به طوری که بیمه‌گر را در وضعیتی قرار دهد که بتواند با دقت، خطر مورد بیمه را ارزیابی و درموقع لزوم، بازبینی نماید. لزوم تحقق این امر در پرتو اصل حسن نیت،^{۸۵} در قبول و یا عدم‌قبول پوشش بیمه‌ای از ناحیه بیمه‌گذار و نیز دریافت حق بیمه مناسب، بسیار اثرگذار است.

اعلام مختصات دقیق کیفیت خطر مورد بیمه در پرتو حقوق بیمه جنایی همانند سایر قراردادهای بیمه‌ای به‌وسیله برگه پیشنهاد بیمه‌نامه و پرسش‌نامه صورت می‌گیرد. در چهارچوب حقوق بیمه جنایی، مندرجات پیشنهاد بیمه‌نامه و پرسش‌نامه معطوف به داده‌های ارائه‌گردیده از ناحیه بیمه‌گذار (قوه قضائیه) درخصوص پرونده قضایی و پیراقضایی بیمه‌شده (مرتکب) خواهد شد. اطلاعاتی نظیر اطلاعات عمومی مربوط به بیمه‌شده همانند مشخصات فردی، وضعیت بالینی، وضعیت تأهل، شغل، اقامتگاه قانونی و ...، داده‌های مربوط به پرونده قضایی همانند مرجع رسیدگی‌کننده، نوع جرم و یا جرایم ارتكابی سابق، نوع و میزان قرار تأمین کیفری سابق، وضعیت جبران خسارت شاکی خصوصی در پرونده پیشین و ...، اطلاعات مربوط به پرونده شخصیت نظیر انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و بیان معاذیر مخففه قانونی و یا قضایی درصورت وجود، مشخصات تضمین اخذشده بابت حُسن انجام تعهد نظیر نوع تضمین اخذشده و مشخصات قانونی آن، میزان اعتبارسنجی برحسب ارزش ریالی، مدت زمان تعهد

85. Good Faith.

متقاضی و نهایتاً شرح وظایف و دستورات احتیاطی و تأمینی برای بیمه‌شده که عیناً در شرایط عمومی و خصوصی بیمه‌نامه مدّ نظر قید خواهد گردید. از سویی دیگر، بیمه‌گذار (قوه قضائیه یا مقام قضایی) موظف است سقف پیشنهادی برای بیمه‌شده را باتوجه به معیارهای جرم‌شناسانه و کیفرشناسانه و نیز سقف تضامین اخذشده از بیمه‌شده به بیمه‌گر اعلام نماید.

۳-۲- نادرستی داده‌های انتقال یافته در خصوص کیفیت خطر

ضمانت اجرای عدم‌اعلام کیفیات خطر به‌گونه‌ای که بیمه‌گر را در وضعیت مبهمی در خصوص پردازش و ارزیابی ریسک قرار دهد در حقوق بیمه جنایی به تأسی از حقوق بیمه به دو گونه عامدانه و غیرعامدانه قابل بررسی است. در تعامل بیمه‌ای مدّ نظر اگرچه موارد اعلام عمدی اطلاعات خلاف واقع از ناحیه بیمه‌گذار متصور است، اما عمدۀ وضعیت قابل تصور در این خصوص معطوف به عدم‌اعلام کیفیات کامل و یا نادرستی کیفیات خطر به صورت سهوی و غیرعامدانه است. به‌عنوان مثال، مطابق ماده ۵۵ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چنانچه پس از صدور قرار تعلیق و یا تعویق معلوم گردد مرتکب دارای سابقه مؤثر کیفری بوده و یا محکومیت قطعی دیگری داشته است، قرار تعویق و یا تعلیق لغو می‌گردد. اطلاعات مربوط به سوابق کیفری مؤثر مرتکب یا سابقه محکومیت قطعی وی همان‌طور که بیان گردید، لازم است که در مندرجات پیشنهاد بیمه‌نامه و پرسش‌نامه قید و جهت ارزیابی ریسک به بیمه‌گر منتقل گردد. حال فارغ از ضمانت اجرای موضوعه در قوانین کیفری (ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی) مطابق ماده ۱۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ ضمانت اجرای عدم‌ارائه اطلاعات درست به صورت غیرعامدانه افزایش حق بیمه و یا فسخ بیمه‌نامه از جانب بیمه‌گر است. حال چنانچه سیاست جنایی تقنینی در جهت توسعه سیاست‌های بازپرورانه اقدام به حذف و یا تعدیل پیش‌شرط‌های محدودکننده نهادهای مذکور همانند ماده ۵۵ و یا شروط ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی نماید، افزایش حق بیمه می‌تواند ضمانت اجرای مناسبی نسبت به ارائه اطلاعات نادرست تلقی گردد. در غیر این صورت به مجرد لغو قرارهای مذکور از جانب مقام قضایی امکان فسخ بیمه‌نامه از ناحیه بیمه‌گر مطابق قانون بیمه موجود می‌باشد.

۳-۳- موارد بطلان قرارداد

موارد بطلان قرارداد بیمه مطابق قانون بیمه و نیز قواعد عمومی حاکم بر قراردادها در حقوق ایران شامل موارد ذیل است:

الف) فقدان یا معیوب بودن یکی از شرایط اساسی عقد؛ ب) اظهارات خلاف واقع یا کتمان

عمدی بیمه‌گذار که منجر به تغییر یا کاهش اهمیت خطر می‌گردد؛ پ) اضافه بیمه کردن متقابلانه مورد بیمه؛ ت) تعدد بیمه با قصد تقلب؛ ت) بیمه نمودن خطری که از قبل ایجاد شده است.

درخصوص رژیم حقوقی مدنظر در راهبرد عدالت توافقی بیمه‌مدار، علاوه بر فقدان و یا معیوب بودن یکی از شرایط اساسی عقد در ماده ۱۹۰ قانون مدنی و سایر موارد بطلان قابل تصور مطابق قانون بیمه،^{۸۶} موارد بطلان اختصاصی این بیمه‌نامه معطوف به موارد ذیل می‌گردد: الف) اظهارات خلاف واقع درخصوص کیفیات خطر، معطوف به مواردی که مطابق قانون مجازات اسلامی (ماده ۵۵) موجب الغای قرارهای تعویق و تعلیق می‌گردد. (وجود سابقه کیفری مؤثر و یا وجود سابقه محکومیت قطعی)؛^{۸۷} ب) احراز عدم اعتبار تضمین سپرده‌شده از ناحیه مرتکب جهت حسن انجام تعهد به بیمه‌گذار (قوه قضائیه)؛^{۸۸} پ) احراز تبانی بیمه‌شده با بزه‌دیده احتمالی جهت دریافت خسارت از بیمه‌گر، این موضوع خصوصاً در مواردی که ضمانت‌کننده از مرتکب (سپرده‌گذار تضمین) شخص ثالثی باشد بسیار حائز اهمیت است.

۳-۴- موارد فسخ و خاتمه قرارداد

ممکن است قرارداد بیمه‌نامه در برخی از موارد قبل از انقضای مدت پیش‌بینی شده در قرارداد فسخ یا منفسخ گردد. عمده موارد فسخ ناظر بر قرارداد بیمه‌نامه به راهبری حقوق بیمه جنایی معطوف به ضرورت برقراری قیمومیت جزایی می‌باشد. همچنان که مطابق مواد قانون مجازات اسلامی بدعهدی مرتکب نسبت به اجرای دستورات مقام قضایی در طول فرصت‌های بازپذیرکننده می‌تواند موجبات افزایش مدت تعهد و یا لغو موارد مطروحه را در پی داشته باشد. بدعهدی و عدم اجرای دستورات قضایی در مواردی که موجبات افزایش مدت تعهد را پدید می‌آورد (ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی) می‌تواند منجر به وظیفه بیمه‌گذار در اعلام تشدید خطر به بیمه‌گر گردد که ضمانت اجرای عدم اعلام آن در ماده ۱۶ قانون بیمه نمایان است.^{۸۹}

۸۶ نک: ماده ۱۱ تا ۱۸ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶.

۸۷ موارد معطوف به بطلان بیمه‌نامه می‌تواند علاوه بر موارد اخیر متناسب با سیاست جنایی اصلاحی و بازپرورانه توسط مقنن پیش‌بینی شود.

۸۸ اخذ تضمین به عنوان تدبیری پیش‌گیرنده است که مطابق تأسیسات مشابه در سامانه عدالت جنایی نظیر ماده ۵۷ (نظام نیمه‌آزادی) و نهاد ضمانت احتیاطی قابل تبیین می‌باشد.

۸۹ اگر تشدید خطر در نتیجه عمل بیمه‌گذار نباشد باید مراتب ظرف ده روز از تاریخ اطلاع رسماً به بیمه‌گر اعلام گردد. در آن صورت بیمه‌گر حق افزایش حق بیمه را دارد.

اگر این عدم‌اعلام معطوف به عدم‌اطلاع مرجع قضایی از بدعهدی مرتکب در عدم‌اجرای دستورات قضایی گردد. می‌توان افزایش حق بیمه و یا فسخ بیمه‌نامه را در مواردی که مقام قضایی تصمیم بر لغو فرصت می‌گیرد، انتظار داشت. رژیم حقوقی بیمه‌نامه مدّ نظر چه در هنگامی که در مقام توسعه نهادهای ارفاقی و بازپذیرکننده به کار گرفته می‌شود و چه در مواقعی که به‌مثابه جایگزین مجازات اصلی (حبس) به کار گرفته شود، از جمله قراردادهای بیمه‌ای محسوب می‌گردد که با تحقق موضوع خطر قرارداد بیمه‌نامه خاتمه می‌یابد. چراکه ارتکاب جرم عمدی از ناحیه بیمه‌شده در طول فرصت‌های بازپذیرکننده مطابق مقتضیات حقوق کیفری موضوعه ایران، موجب لغو فرصت‌های بازپذیرکننده می‌گردد و با لغو نهادهای مدّ نظر موجبی برای استمرار بیمه‌نامه مدّ نظر باقی نخواهد ماند.

نتیجه

امروزه مفهوم عدالت متوازن^{۹۰} در عرصه عدالت کیفری، از پی روش‌های تأمین حقوق بزه‌دیدگان در کنار تحولات کیفرشناسی تا پاسخ‌شناسی جرم حاصل می‌گردد. به بیانی دیگر امروزه ارزیابی‌های نظری و کاربردی در عرصه مطالعات کیفرشناختی از یک‌سو و تحولات علمی، اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر، زمینه ارائه نسل‌های نوظهوری از پاسخ به جرم و بزهکاری را فراهم آورده است. این پاسخ‌ها در پرتو نظریه‌های «حق بر مجازات نشدن» و «اصل کمینه‌گرایی حقوق جنایی»^{۹۱} تلاش می‌نمایند، ضمن پاسخگو نمودن بزهکاران و ایجاد تعهد و وابستگی آنان به مظاهر نظم عمومی جامعه، ضرورت بازپذیری اجتماعی آنان را در ترمیم حقوق بزه‌دیدگان و نیز سازمان‌دهی دولت و نهادهای عمومی در تحقق این توازن میان بازپذیری بزهکار و ترمیم خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده در عدالت جنایی بازبایی نماید. به‌گونه‌ای که اکنون در پرتو مطالعات پاسخ‌شناسانه به جرم، تنها آنکه بزهکار مشمول مجازات‌های سنتی قرار نگیرد مفید به فایده نمی‌باشد، بلکه تلاش می‌گردد تا در فرایندی پاسخگوکننده، ترمیم خسارات و صدمات وارد به بزه‌دیده نیز لحاظ گردد.

شناسایی مظاهری از عدالت متوازن جنایی در سیاست جنایی ایران طی ادوار متعدد قانونگذاری به‌نظر آن‌چنان میسر نمی‌باشد؛ چراکه تأسیس و نهادهای سیاست جنایی قضایی ایران اگرچه به‌تنهایی از پس آموزه‌های علوم جنایی به ضرورت بازبینی در پاسخ‌دهی به جرم

90. Blaanced Justice.

91. Minimalist Approach.

و یا ترمیم و جبران خسارت بزه‌دیدگان پرداخته است، اما در ایجاد توازن میان ضرورت‌های مزبور به نظر آن‌چنان موفق عمل ننموده است؛ به طوری که در پاره‌ای از موارد پرداختن به حقوق بزه‌دیدگان را مترادف با عدم توجه به اصلاح و بازپروری بزهکاران قلمداد نموده و در برخی از موارد، به ضرورت پرداختن به حقوق بزه‌دیدگان توجهی نشان نداده است. به عنوان مثال با قاطعیت می‌توان گفت، در تمامی نهادهای بازپذیرکننده در طول سیاست جنایی تقنینی ایران، از ابتدا قانون‌نویسی تاکنون، به ضرورت پرداختن به حقوق بزه‌دیدگان احتمالی از ناحیه مرتکبی که به جامعه بازگردانده شده است، توجهی نشده است. این درحالی است که در نهادهای بازپذیرکننده همانند ضمانت احتیاطی معطوف به ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی^{۹۲} و نیز نظام نیمه‌آزادی مدّ نظر در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌رغم تصریح در ضرورت اخذ تضمین مناسب از بزهکار احتمالی، جهت اقدامی پیش‌گیرنده و یا بازدارنده، هیچ‌گاه به مصروف نمودن این تأمین در حق بزه‌دیدگان احتمالی آنان توجهی نشده است.

در این میان عدالت توافقی بیمه‌مدار به‌عنوان تأسیسی برساخته بر پایه مفاهیم ناظر بر بازپروری و پاسخ‌های ترمیمی می‌تواند نمونه‌ای از عدالت متوازن جنایی در پاسخ‌دهی به جرم تلقی گردد که با ابزار و سازوکارهای بیمه‌ای ضمانت حاصل از عدم‌خُسن سلوک مرتکب را مصروف جبران خسارت بزه‌دیدگان احتمالی می‌نماید.

درمقابل به نظر می‌آید، این راهبرد به‌واسطه توجه به بزه‌دیده و نیز از سویی توجه به بزهکار، لزوم حصول به بازدارندگی را در تزییع حقوق بزه‌دیدگان نیافته است؛ بلکه کوشش در حمایت از بزه‌دیده را ضرورت جدایی‌ناپذیر حصول به بازدارندگی برشمرده است. این درحالی است که عموماً از پس نظریه بازدارندگی، تنها ارباب و عدم‌تمایل به ارتکاب جرم مجدد حاصل می‌گردد و در این خصوص بدیهی است که توجه به حقوق متعدد بزه‌دیده و مطالبات او از سیاست جنایی، مغفول از نظر باقی خواهد ماند.

البته بدیهی است اثبات اثرگذاری راهبرد اخیر در گرو پردازش نظری و ارزیابی‌های عملی و آزمایشی آن می‌باشد؛ اما از سوی دیگر به نظر می‌آید، اولین گام در ایجاد توازن در عدالت جنایی، از پی استفاده از تمام ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و نهایتاً حقوقی هر مرزوبوم

۹۲. قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ به‌موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسخ شده است.

حاصل می‌گردد و تنها اتکاء به برگردان متون جنایی در این زمینه کارساز و مؤثر نمی‌باشد. تفکر و بازیابی ظرفیت‌های موجود هرچند راه به خطا برد اما به از نشستن باطل می‌نماید؛ چراکه عموماً آموزه‌های انتقال‌یافته جنایی در مسیر مبدأ تا مقصد، با چنان استحاله‌ای مواجه می‌گردد که گاه اثرگذاری خویش را از دست داده و یا حتی در مسیر مخالف با رویکرد ابتدایی آن قرار می‌گیرد. از آن‌رو به‌نظر می‌آید، بومی‌گرایی در عرصه پاسخ‌شناسی جرم امروزه دغدغه جدی سامانه عدالت جنایی هر نظام حقوقی می‌باشد؛ چراکه مصرف‌گرایی صرف در این حوزه، موجبات خمودگی سیاست جنایی و عدم‌هماهنگی نهادهای عمومی در مسیر مبارزه با جرم و بزهکاری را فراهم خواهد آورد. از آن‌رو به‌نظر می‌آید پژوهش پیشرو فارغ از نتایج و آثار عملی آن، تجربه نوینی در عرصه بومی‌گرایی سیاست جنایی تلقی خواهد گردید و بدیهی است نظرات، انتقادات و پژوهش‌های محققان و صاحب‌نظران این حوزه پیرامون این تأسیس نوظهور، قطع به یقین به بالندگی آن مساعدت شایان توجهی خواهد نمود.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آزمایش، علی. رابطه اخلاق و حقوق کیفری (سخنرانی)، خانه اندیشمندان علوم انسانی، تهران، ۱۳۹۲. قابل دسترسی در: <http://khaneandishmandan.ir>.
- اسماعیلی، محمد. «عدالت پیشگیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران* ۴(۲) (پاییز و زمستان ۱۳۹۶): از ص ۳۲۶-۲۹۷.
- امینی، محمد. *ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹*. تهران: چاپ تابان، ۱۳۴۶.
- بابایی، ایرج. *حقوق بیمه*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
- برادفور، دیوید اف. *بیمه‌های اموال و مسئولیت*. ترجمه رضا افق و امیر یوسفیان. تهران: پژوهشکده بیمه وابسته به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳.
- پاک‌نهاد، امیر. *سیاست جنایی ریسک‌مدار*. چاپ دوم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴.
- پاول، آلن. *بیمه‌های مسئولیت*. چاپ اول. ترجمه علی‌اکبر ریس. تهران: انتشارات پژوهشکده بیمه ج.ا.ا، ۱۳۸۱.
- پژوهشکده بیمه مرکزی ج.ا.ا. مجری: گروه پژوهشی بیمه‌های اموال و مسئولیت. «گزیده آماری مرتبط با بیمه شخص ثالث». گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده بیمه مرکزی ج.ا.ا، بهار ۱۳۹۶. قابل دسترسی در سایت: www.irc.ac.ir.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد. *جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- دلماش - مارتی، میری. «پارادیم جنگ علیه جرم مشروع ساختن امری انسانی» در *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)*، چاپ نخست، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی. برگردان: روح‌الدین کرد علیوند، ۱۰۲۹-۱۰۰۳. تهران: میزان، بهار ۱۳۸۸.
- دنی، دیوید. *ریسک و جامعه*. ترجمه صالح کاشانی. تهران: پژوهشکده بیمه وابسته به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳.
- رایجیان اصلی، مهرداد. *بزه‌دیده در فرایند کیفری*. چاپ اول. تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱.
- رضوانی، سودابه. *مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶.
- شریز، مایکل. *اصول علم اکتیویالی*. ترجمه: علی صادقخانی و هاله فرزانه. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۹۷.
- غلامی، حسین. *کیفرشناسی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات میزان، تابستان ۱۳۹۶.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵.

قانون بیمه فرانسه.

قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶.

کریمی، آیت. *کلیات حقوق بیمه*. ویرایش هفدهم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.

میرقی، محمدناصر. «گذر از منطق کیفری به منطق بیمه‌ای در سیاست جنایی رهاورد نوین عدالت ترمیمی». *مجله تخصصی الهیات و حقوق* ۱۳ (پاییز ۱۳۸۳): از ص ۴۲-۱۹.

نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. «گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» در *مجموعه مقالات یادنامه علمی استاد ناصر قربان‌نیا*، ویرایش دوم، به کوشش حج اندیشه، ۶۰۶-۶۳۶. قم: انتشارات دانشگاه مفید قم، ۱۳۹۶.

نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری). دوره دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهیه و تنظیم: محمدعلی بابایی. نیمسال نخست تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، بازبینی و اصلاح: امیرحمزه زینالی.

نیاپور، امیرحسن. *توافقی شدن آیین دادرسی کیفری*. ویرایش دوم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.

ب. منابع انگلیسی

Commercial and General Insurance Brokers. "Zurich -Commercial-Crime Insurance." Last modified October 31, 2018. <http://www.comgen.com.au/downloads/zurich/Zurich-Commercial-Crime.pdf> . pp. 4-16.

"Commercial Crime Insurance, Chapter 9, pp. 21-23." Last modified November 22, 2018. <http://mikerussonline.com/CA/pdfs/9.pdf>.

Da Costa, Mary. "Securing Your Balance Sheet Fidelity/ Crime Insurance." The Guarantee Company of North America. <https://www.theguarantee.com/en> (Accessed November 22, 2018).

Dignan, James. *Understanding Victims and Restorative Justice*. First Published. USA: Open University Press, 2005.

Doob, Anthony N. (University of Toronto), Cheryl Marie Webster (University of Ottawa) and Rosemary Gartner (University of Toronto). "Issues Related to Harsh Sentences and Mandatory Minimum Sentences: General Deterrence and Incapacitation, Research Summaries Compiled from Criminological Highlights." February 14, 2014. <https://criminology.utoronto.ca/wp-content/uploads/2013/09/DWG-GeneralDeterrenceHighlights14Feb2013.pdf>.

Honderich, T. *Punishment, the Supposed Justification*. London: Pluto Press, 2006.

Hudson, Barbara. "Criminology, Difference and Justice: Issues for Critical Criminology." *Australian & New Zealand Journal of Criminology* 33(2) (2000): 172-173.

Morris, L. *Dangerous Classes: The Underclass and Social Citizenship*. London: Routledge, 1994.

Rotman, Edgrdo. "Do Criminal Offenders Have a Constitutional Right to Rehabilitation?." *Journal of Criminal Law and Criminology* 77(4) (1986): 1023-1068.

Villmow, Bernhard. "Victim Compensation in Some Western Countries." In *Victims and Criminal Justice*, Vol. No. 51, edited by Kaiser (G), Kury (H) and Alberch (H.J), 175-179. (Freiburg, Germany: Max Planck International Penal Law, 1991).

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VII, No. 1

2019-1

- **The European Union and International Criminal Court: Institutional Cooperation and Support**
Dr. Seyyed Ghasem Zamani & Dr. Esmaeel Yaghoubi
- **The Scope of Penal Mediation in Various Types of Crimes in Iranian Substantive Law**
Dr. Hossein Gholami & Dr. Badr Soudani Sadery
- **Punishment Mitigation in the Law of Campaign against Trafficking Goods and Currency Passed in 1392**
Ahmad Reza Koocheki & Dr. Shahram Ebrahimi
- **A Criminological Study of the Effective International Factors on Committing Crimes against Humanity**
Dr. Samira Golkhandan
- **The Consequences of Populist Penal Policy in Sexual Crimes against Children and Teenagers**
Dr. Parima Taherishad & Dr. Hooshang Shambayati
- **An Introduction to “Criminal Insurance Law” towards an “Insurance-Oriented Criminal Policy”**
Dr. Mehrdad Rayejian Asli & Naeim Saha'mi
- **Conflict or Interaction of Foreign Criminal Laws with Victim's Rights; in Light of the Principle of Mutual Recognition in EU Criminal Law**
Dr. Javad Salehi
- **Principle of Mutual Recognition of Judgements and Judicial Decisions in European Union Criminal Law with Look at Criminal Judgements and European Arrest Warrant**
Dr. Behzad Razavi Fard & Mohammad Faraji

